

مواد خواننده شود تا آقایان مسبوق شوند و اینقدر اشکال تراشی نفرمایند .

رئیس - همه مواد را میخواهد چهارماده است خواننده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده اولی - هوم کسانیکه جنس انبار میکنند اهم از مالکین و مستاجرین و اشخاصیکه جنس خریداری کرده اند باید صورتیکه دارای مواد ذیل باشد در موقع انبار کردن جنس در ظرف یکماده اداره حکومت و بلدی بدهند و نوشته از این بابت دریافت دارند بدون اینکه دینداری از این بابت بر آنها تحمیل شود اولاً مقدار جنس بدون کسر نسبتاً مقداریکه از آن برای مصارف شخصی یا بدو مساعده یا مالیات لازم دارند ثالثاً محل انبار .

ماده ثانیه - هرگاه پس از تفتیش و تحقیق بر حکومت و بلدی محقق شده که کسی صورت جنس موجودی خود را نداده یا اضافه بر صورتیکه داده انبار کرده حکومت حق دارد با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و اداره بلدی جنس انبار را بفروشد رساننده وجه آنرا بصاحب جنس عاید دارد .

ماده ثالثه - فروش جنس و نرخ آن بکلی آزاد است ولی کسانیکه جنس خود را بفروش میرسانند یا مصارف آنها زیاده از تخمین ابتدائی شده صورت آنرا ببلدی و حکومت اطلاع خواهند داد .

ماده رابعه - درهوقیکه هشت مصدق تصدیق کمی جنس برای ارزاق لازم شهر نمایند حکومت باید مطابق صورتیکه از انبار داران گرفته شده و در کتابچه مخصوص ضبط است اظهار و الزام کند که بر حسب تقسیم انبارداران باید از جنس خود پنج عدله روزانه برسانند چنانچه پس از اخطار بآنها و الزام جنس خود را نبروند حکومت مکلف است با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و انجمن بلدی در موعد مقرری کاذب ابتدا مین کرده اند انبار را باز کرده جنس آنها را بقیمت عدله بفروشد و وجه آنرا نقداً بدون کسر تسلیم صاحبان جنس نماید و هر خرواری يك تومان مجاز است نقدی از محتکرین دریافت خواهد شد .

تبصره - برای تصدیق کمی جنس و تعیین قیمت عدله هشتی باسم مصدق در اداره حکومتی در تحت نظر شخص حاکم مرکز یا سفر از اعضاء انجمن ایالتی یا ولایتی و سفر از اعضاء بلدی و یک نفر از اداره مالیه تشکیل خواهد شد تشکیل این مجلس و تعیین جلسات آن بسته بنظر حکومت و اهمیت موقع و لزوم است .

رئیس - حالاندا کرات در ماده اول کافی نیست (گفتند کافی است) .

رئیس - دو فقره اصلاح پیشنهاد شده است یکی از طرف افتخار الواعظین و یکی دیگر از طرف حاج سید ابراهیم و دومه هم از طرف آقای ادیب انبار پیشنهاد شده است اول ماده ادیب انبار خواننده میشود و زوی گرفته میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) این بنده دوماده ذیل را پیشنهاد میکنم .

ماده اول - هیچکس بهیچ عنوان زیاده از مصرف لازمه میشت خانواده خود و وزارت خود و مصرف وزارت ملک شخصی تارداشت اولین محصول آینده حق جنس گندم و جو را ندارند .

ماده ۲ - هر کس زیاده بر مقدار مذکور در

ماده اول گندم و جو حسب نماید باید در هر ماهی از برای هر یک خروار گندم يك تومان و هر يك خروار جو پنجقران بکار گذاران دولتی بپردازد .

رئیس - اینک عرض کردم ماده آقای ادیب انبار را بعد رای بگیریم برای اینست که این همان ماده و پیشنهاد اولی است و اگر بنا شود که در این رای بگیریم مثل آنستکه در پیشنهاد اولی رای گرفته باشیم چون کمیسیون لایحه داده است و پیشنهاد کمیسیون خودش یکنوع اصلاحی است اول در پیشنهاد کمیسیون باید رای بگیریم بعد اگر تصویب نشد بماده آقای ادیب انبار رای بگیریم .

مخبر - ایشانده را که آقای ادیب انبار پیشنهاد کرده اند خیلی اسباب زحمت خواهد شد بواسطه اینکه قانون باید عمومیت داشته باشد برای همه مملکت و برای همه زمان نه اینکه از برای اسما و برای شهر طهران باشد آنطوری که آقای ادیب انبار پیشنهاد کرده بودند در کمیسیون رد شد بجهت اینکه آن پیشنهاد برای همین اسما خوب است و برای شهر طهران که تنگی گندم است والا نه بحال مملکت نمر دارد و نه برای سالهای بعد اگر اینطور باشد که هیچکس جنس انبار نکند و گندم هم نیاروند و در یکسال هم گندم نباشد چه خواهد بود حال مردم اینماده که نوشته شده است نه اینستکه مردم بروند گندم خودشان را انبار کنند این ماده برای این نوشته شده است که هر کس گندم زیاده از مصرف خودش داشته باشد باید آن زیاد را بحکومت بدارد بگوید که حال وقت حاجت است باید گندم را بقیمت عدله بفروش برسانی این تعبیراتی را که آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند در این ماده وارد نیست ملاحظه فرمایند يك وقت هست که جنس خریدار ندارد و کسی مشتری نیست که بفرد در اینصورت چه باید بکند باید انبار کند باین لحاظ بود که در کمیسیون پیشنهاد آقای ادیب انبار وارد کردند و این ماده را نوشتند .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد حالا دو فقره پیشنهاد قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت گردید) .

اول از طرف افتخار الواعظین - بنده پیشنهاد میکنم که بعد از لفظ حکومت و اداره بلدی یا مباشر محل زیاد شود .

دویم از طرف آقای حاج سید ابراهیم - بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول این عبارت زیاد شود در صورتی که زیاده بر پنج خروار باشد .

مخبر - اصلاح آقای افتخار الواعظین را بنده قبول میکنم .

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم توضیح بدهید **حاج سید ابراهیم** - چون وقتی که شور اول بود با وزیر داخله در مجلس خیلی مذاکرات شد گفته شد که مقصود از این ماده عدم احتکار است که گندم در انبار احتکار نشود یعنی در وقت احتیاج مردم احتکار نکنند و این از برای اینستکه بقدر خودشان نگاه بدارند پنج خروار و ده خروار این هیچ فایده ندارد پس يك حد اعتدالی را باید برای او قرار داد و میزان را شش خروار مین کرده بودند لیکن بنده پنج خروار نوشته ام چون کافی

می دانم .

مخبر - پنج خروار زیاد است اگر چهار خروار باشد بنده قبول میکنم .

حاج سید ابراهیم - چهار خروار بنویسید .

رئیس - دو مرتبه خواننده میشود با اصلاح چهار خروار (مجدداً ماده با اصلاح حاج سید ابراهیم قرائت شد) .

رئیس - کمیسیون قبول دارد .

مخبر - بله قبول میکنم .

رئیس - رای میگیریم بماده اولی آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت تصویب شد - ماده ۲ (ماده ۲ بمضمون ذیل قرائت شد .

ماده ثانیه - هرگاه پس از تفتیش و تحقیق حکومت و بلدی محقق شده که کسی صورت جنس موجودی خود را نداده یا اضافه بر صورتیکه داده انبار کرده حکومت حق دارد با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و اداره بلدی جنس آن را بفروش رساننده وجه آنرا بصاحب جنس عاید دارد .

حاج شیخ الرئیس - بنده ملاحظه میکنم کم کم موضوع مذاکره و مشاوره بکلی از عنوانی که پیشنهاد شده است خارج میشود یعنی از قراری که بنده میفهم و توقع هم نداشتم بعضی از نمایندگان میخواهند با بندهمانند که مطلق جنس انبار کردن بعضی غله از جو و گندم و خرما را انبار کردن احتکار است و بعد مثال میزنند که اگر در سیستان احتکار کنند عیب ندارد این خروج موضوعی دارد و باید دید که این مسئله در کجا صدق میکند و در کجا آن قانون گذار بعمل آن را منع کرده است اصل غله انبار کردن مکروه هم نیست چه رسد بحرام البته هر کسیکه صاحب ملک است مثل بنده شاید از املاک موهوم بتوانم جنس انبار کنم و بفروشم بدون این که بمن اسم احتکار صادق بیاید و يك قدری نفع بکنم و این احتکار نیست احتکار اینست که بمن بخرم و برای این که گران بفروشم انبار بکنم و ذخیره بکنم پس اگر کسی زائد از محتاج الیه خودش ذخیره کرده سهواً یا عمدتاً فلم داد نکرد بچه عنوان شرعی از او جرم میگیرند و بچه میزان در غیر موقع حاجت عمومی که صدق احتکار بر آن نمیشود ممکن است جنس او را بیرون آورد و فروخت بنده این را منافی عدل و شرع و همه چیز میدانم

حاج شیخعلی - این محازاتی میشود بجهت آنشخص که از قانون خارج میشود ما در اول حکم باو نمیکنیم که يك مقداری وجه بدهد ما میگویم صورت بدهد برای این که در يك موقعیکه محل احتیاج مردم شد بدانیم که جنس در کجا است حالا اگر او امتناع کرد یا خلاف این قانون رفتار کرد معلوم میشود که میخواسته است احتکار بکند برای این که اگر مقصود جز احتکار ندارد چرا صورت نداده است وقتیکه تخلف از این قانون میخواهد بکند باید این مجازات بشود برای این که از قانون تخلف کرده است .

حاج شیخ اسدالله - چیزیکه قانون منع

احتکار را بنا بحال در کمیسیون توقف داده است همین مواد است که اسباب اشکال شده است و این جهمی داشته است و يك قدری باید دقت کرد که منع احتکار ما مطابق موازین شرع باشد و دیگر بعضی تصرفات ما در قانون شرع نباید بکنیم فقط شارع مقدس اجازه داده است که در موقع حاجت و لزوم کسیکه دارای غله است و بفروشد او را ملزم بفروش باید کرد این قانون احتکاری را که ما مینویسیم که اگر احتمال رفت که اطلاع ندارد باید جنس او را فروخت همانطوریکه آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند از روی چه میزان است حالا فرضاً بنده تصدیق کردم این ماده را و حال این که هرگز تصدیق نخواهم کرد عرض میکنم بعد از این که این شخص اطلاع نداد و لازم شد که این جنس او فروخته شود این مأمورینی را که ما در این مملکت داریم و اغراضیکه در این مملکت ما هست ببینید ملاحظه فرمایند چطور این مسئله سوء استعمال میشود مثلاً در اینجا مینویسید اگر هر آینه اطلاع بحکومت نداد حکومت باید جنس او را بفروشد و موارد این را ملاحظه کنید که در موقع فروش مینویسد با اطلاع انجمن بلدی و جمعی این چطور میشود ممکن است وقتیکه حکومت يك غرضی با او پیدا کرد بخواد ضرری باو بزند حکم میدهد که فلان کس حتماً صورت نداده و مینویسد انبار او را معین میکنند ما قول گیرا سند قرار بدهیم که این اطلاع داده است یا نداده است این که ما را مجبور کرد بر این که این قانون بنا بحال همینطور در کمیسیون مدتی عضو بودم مخبر هم بودم و این آمد کمیسیون داخله و در کمیسیون وزیر داخله را خواستیم که بیاید توضیح بدهد بدینجاسته وزیر داخله حاضر نشد حالا بنده عقیده ام اینستکه این ماده را اگر با اشکال و بهین کیفیت رای بدهیم چون منحصر بخود طهران نیست در سایر ولایات هم باید باشد نظر بر کز و طهران نباشد که بعضی از ادارات و ترتیبات نیست که قدری جلوگیری از تعذیبات میشود خوبست قدری نظر بسایر ولایات و فراء و بلوکات و آن مباشرین بکنیم و یک قدری نظرها وسعت بدهیم بسایر ولایات ببینیم نسبت بان رعایا و آن ضعفا و زارعین بیچاره و آن مباشرینی که مأمور و مسلط بر آن ضعفا هستند چه بلاها بر سر رعایا میآورند برای قانون منع احتکار اسباب صدمه آنها را فراهم میآورند در ماده قبل گذشت که بتوسط مباشر محل باید اطلاع بدهد مباشرین محل چه اشخاصی هستند همان اشخاصی هستند که مردم متصل از دست آنها فریاد میزنند .

رئیس - شما که تمام از مأمورین دولت بد می گوئید .

حاج شیخ اسدالله - بنده این جا شخص مخصوصاً نظر نداشتم .

حاج شیخعلی - خیلی متعجبم از بعضی از ایرادات که میفرمایند اگر بنا باشد که ما می سوء استعمال را در نظر داشته باشیم میفرمایند پس چگونه مملکت را بدست اشخاص میسازیم اگر سوء استعمال باشد پس چگونه ما را وکیل کردند اینجا گذاشتند

برای چه انجمن ولایتی را انتخاب میکنند بعد از اینکه بخواهند غله را بتوسط حکومت و انجمن بلدی بفرشند دیگر چه سوء استعمال دارد اما رعایا و زارع را میفرمایند ما که گفته ایم تا چهار خروار لازم نیست صورت داده شود و آنکسیکه زیاده از چهار خروار را ذخیره بکند این جزء رعیت نیست جزء مالکین خواهد بود جزء اشخاصی هستند که میخواهند غله انبار کنند اینهم که گفتند این پول را جرابدهند این برای اینستکه مأمورین زحمت میکشند گندم او را میفروشند و این برای اینست که تقاب کرده است و باو گفته اند اطلاع بدهد نداده است ما که گفته ایم چیزی بر او تحمیل شود چرا اطلاع نداد پس وقتی که میخواهد احتکار بکند دزدی بکند از قانون خواست تخلف بکند این خودش يك نوع مجازات است این بجهت اینست که از مجازات بترسند البته وقتیکه خبر دادند که غله دارد چهار خروار است بیخود نیست که هر کس برود که شما گندم انبار کرده اید چیزی از او بگیرند البته دفتر هست و ثبت هست میروند از روی آن ثبت و دفاتر لابد رسیدگی خواهند کرد والا اگر ما بخواهیم بملاحظه اینکه در يك نقطه یا يك جایی تعدی ممکن است بشود این همه ایرادات بکنیم پس باید اصلاً قانون وضع نکنیم بنده محظوری در این ماده نمیبینم بلکه خیلی خوب ماده است و تعجید میکنم از ماده اولی که صورت بدهند که آن صورت دست حکومت و مأمورین محل باشد وقتیکه احتیاج دارند بتوانند گندم ببرد برسانند .

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد اصلاحی آقای افتخار الواعظین پیشنهاد کرده اند خواننده میشود (اصلاح مزبور بمضمون ذیل قرائت شد) .

بنده پیشنهاد میکنم که در موقع ضرورت و لزوم در ماده (۲) زیاد شود .

افتخار الواعظین - اینجا نظر مارک آقایان البته متوجه است که تمام فرض ما از وضع این قانون اینست که ما در موقع حاجت و ضرورت مردم را از تنگی و عسرت خلاص بکنیم و گندم دار ها نتوانند خوراک مردم را انبار کنند عرض میکنم اگر کسی دارای سیصد خروار غله است و تمام را در يك محلی انبار کرده و بحکومت هم اطلاع نداده اگر چنانچه محل حاجت عمومی نباشد و موقع ضرورت و لزوم نباشد حکومت او را بچه نوع و از روی چه قانون خواهد فروخت پس این نکته همیشه در نظر آقایان باید باشد و هست که احتکار مصداقش موقع ضرورت و حاجت است این است که بنده پیشنهاد کرده ام در ماده دویم که اگر صورت نداد حکومت آن مقدار زائد را در موقع حاجت و ضرورت ببرد و بفروشد و الا در غیر موقع قاعده برای فرد ختن در دست نیست

حاج شیخعلی - اینجا موفقی است که بنده بگویم آقای افتخار الواعظین تشریف نداشتند وقتیکه تمام آن مواد خواننده میشد آن که می فرمایند در ماده نالت است اینماده بجهت این است که صورت بدهند اگر اینماده نباشد رت نخواهند داد و اگر صورت نباشد آن مأمور حکومت چه می داند که در کجا غله است که برود از او بگیرد اینجا میگوید که باید صورت بدهند آنوقت در ماده نالت میگوید که وقتیکه ضرورت پیدا کرد چه باید کرد و این اصلاح هیچ قبول نمیشود .

رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن اصلاح آقای افتخار الواعظین آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (همه قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - اصلاح آقای ادیب انبار .

(اصلاح آقای ادیب انبار بعبارت ذیل قرائت شد) بنده اصلاح عبارتی را تقدیم مینمایم حکومت با اطلاع اداره بلدی و انجمن ولایتی یا ایالتی جنس انبار را بقیمت عدله بفروش میرساند و قیمت او را بصاحب گندم عاید میدارد و بهر خرواری سه قران جزای نقدی از صاحب گندم میگیرد .

رئیس - این اصلاح که اصلاح عبارتی نیست **ادیب انبار** - يك قسمتی که راجع باصلاح عبارتی است و باید نوشت چون بنویسد حکومت حق دارد یعنی اگر دلش خواست میکند اگر نخواست نمیکند و این منافی با قانون است حکومت باید بکند و چون این تغلفی است که نسبت به ماده اول صاحب گندم کرده است و در حقیقت يك تغلف بزرگی بقانون کرده است این بود که بنده نوشتم خرواری سه قران را بمنوان جزای نقدی که صورت نداده است و خلاف قانونی کرده است بعوض آن پنج قران بگیرند .

رئیس - این اصلاح عبارتی نیست مخبر چه می فرماید .

حاج شیخعلی - صورت شرعی ندارد و آن پنجقران را که نوشته ایم برای حق الزحمه بجهت آن مأمورینی که اینکار را میکنند بگیرند و جزای او همان فروش گندم است و اما لفظ حق دارد چنانچه آقای افتخار الواعظین فرمودند بواسطه این است که شاید يك وقتی بود که لازم نداشت این کار را بکنند در اینصورت چرا جنس را بفروشد آن لفظ حق دارد برای این بود که وقتی که مردم احتیاج دارند اینکار را بکنند .

رئیس - تقاضائی شده است از طرف آقای ذکاء الملک که برگردد بکمیسیون (تقاضای آقای ذکاء الملک بمضمون ذیل خواننده شد) بنده تقاضایکم اینماده بکمیسیون رجوع شود .

ذکاء الملک - بنده اشکال می بینم در این که رای بدهیم همانطوریکه اینجا توضیح کردید باید يك مجازاتی مین بشود برای آنهایکه صورت نمیدهند اما کلبه بموجب قانون شرعی که این قانون هم مؤید او خواهد بود دولت حق ندارد در وقتی که محتاج نشود جنس اشخاصی را که جنس دارند بفروشد پس اینکه اینجا مینویسد که دولت در غیر موقع ضرورت جنس را بفروشد اینکه هیچ صحیح نیست اگر در موقع ضرورت باشد که البته اینکار را خواهد کرد اینجا مجاز است تعیین کردن از برای اشخاصی است که صورت نداده اند و آنها هم باینطور باید باشد اینست که بنده این ماده را صحیح میدانم و بهتر اینست که تأیید در کمیسیون مذاکره بکنند و مجازات صحیحی برای اشخاصی که تخلف از قانون کرده اند مین بکنند .

رئیس - رای میگیریم در رایاج بکمیسیون آقایانیکه تصویب میکنند رجوع به کمیسیون شود قیام نمایند اغلب قیام نمودند .

رئیس - با کثرت تصویب شد بر میگردد به

کمیسیون ماده (بهارت ذیل فرائت شد) ماده ثالثه - فروش جنس و نرخ آن بکلی آزاد است ولی کسانیکه جنس خود را بفروش می رسانند یا مصارف آنها زیاده از تخمین ابتدائی شده صورت آن را به بلدی و حکومت اطلاع خواهند داد.

رئیس - مخالفی هست.

حاج وکیل الرعایا - چون قانون باید واضح باشد که همه کس بتوانند بفهمند اینجا که می گوید فروش جنس بکلی آزاد است بنده گمان می کنم که فروش و تجارت جنس هر دو باید آزاد باشد بعضی ممکن است این معنی را نتوانند بفهمند و شاید همچو تصور بکنند که مراد اینست که فقط اگر بخواهد بفروشد یا بخرد میتواند ولی بکوتی لازم میشود که یکمقدار خیلی عمده بطور تجارت از یک محلی بمعنی برسد و گمان میکنم که بطور نوشته شود که هر دو آزاد باشد.

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم که همینکه خرید و فروش آزاد شد همان اجازه تجارتش هم هست دیگر معنی کردن که تجارتش هم آزاد باشد لزومی ندارد.

آقا میرزا احمد - اینماده بکلی نتیجه این قانون را از میان میبرد برای اینکه میزان نوشتن صورت را بخود مالک داده اند تخمین ثانوی را هم بیخود او واگذار کرده اند که هر چه داش میخواهد آصورت را بچکومت و اداره بدی خواهد داد اگر پنج خروار مصارف او باشد میتواند صد خروار صورت بدهد بدون اینکه ذکر دلایل بکند و حکومت هم باید بپذیرد از این جهت بنده تصور میکنم اگر یک ذکر دلالتی در اینجا اضافه بشود ضرر ندارد و الا بکلی فایده این طرح قانونی از میان میرود.

حاج شیخعلی - آقای آقا میرزا احمد اشتباه کرده اند اینماده خیلی لازم است بملاحظه اینکه یک شخصی ده خروار اول لازم داشته درین میخواهد بجهت مصارف امور زندگی خودش دو خروارش را بفروشد یا یک مخارج فوق العاده بجهت او وارد شده است که میخواهد بفروشد آنوقت چه باید بکند اگر بفروشد که حکومت در موقع لزوم باو خواهد گفت آن جنس چه شده است و اگر بفروشد و آزاد نخواهد بود پس بهتر اینست که اینماده باشد برای اینکه هم وقتیکه در نزدیک هر کس هست معلوم باشد و هم آزاد باشد در خرید و فروش و این اشکالی را که میفرمایند وارد نیست.

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد لفظی مباشر معال را قبول دارید که اضافه بشود.

حاج شیخعلی - ضرر ندارد باشد (مجددا خوانده شد)

رئیس - رأی میگیریم بماده سوم بطریقیکه فرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (مده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد (۳۰ نفر از ۶۲) نفر نمایندگان حاضر رأی داده اند ماده ۴ (ماده ۴ بمضمون ذیل فرائت شد.)

ماده رابعه - در موقیکه هیئت مصدقه تصدیق کمی جنس برای ارزاق لازمه شهر نمایند حکومت

باید مطابق صورتیکه از انبار داران گرفته شده و در کتابچه مخصوصی ضبط است اختطرا الزام میکند که بر حسب تقسیم انبار داران باید از جنس خود بترخ عادلانه روزانه برسانند چنانچه پس از اختطار بانها و الزام جنس خود را فروشد حکومت مکلف است باطلاع انجمن ولایتی و انجمن بلدی در موعده مقرری که از ابتدای معین کرده انبار را باز کرده جنس آنها را قیمت عادلانه بفروشد و وجه آن را نقد بدهد کسر تسلیم صاحبان جنس نماید و هر خرواری یک تومان مجازات نقدی از معتکرفین در سافت خواهد شد.

تبصره - برای تصدیق کمی جنس و تعیین قیمت عادلانه هیئتی باسم هیئت مصدقه در اداره حکومتی در تحت نظر شخص حاکم هر کب از ۳ نفر از اعضاء انجمن ایالتی یا ولایتی و ۳ نفر از اعضاء بلدی و یک نفر از اداره مالیه تشکیل خواهد شد تشکیل این مجلس و تعیین جلسات آن بسته بنظر حکومت و اهمیت موقع و لزوم است.

ادب التجار - اینجا مینویسد که در موقیکه حکومت و بلدی احساس کمی جنس بکنند الی آخر باز نوشته است که حکومت حق دارد و در آخرش هم باز گیر دارد او اینست که نوشته شده بقدریکه لازم است از جنس خود بقیمت عادلانه روز بفروش برساند پس حسب تقسیم بنده اینجا منتف نمیشود بر حسب تقسیم اولاً موقع ضرورت چه موقعی است آن وقتی است که خرواری پنجاه تومان باشد اگر آن موقع را میخواهند بگویند که هیچ جنس دیگری از او نمیشود بجهت آنکه عنوان میکنند که فند جای گران است و چیزهای دیگر از قبیل چرخهای درشکه و کالسکه که از فرنگ آمده است گران است پس گندم هم ممکن نیست خرواری ده تومان بشود بعد از این باید خرواری سی تومان بشود و باین دلایل ممکن است بگویند که گندم قیمت عادلانه اش میشود سی تومان چهل تومان پس این را که اختیار میدهد بان هشت مصدقه یا آن اشخاصیکه تصدیق خواهند کرد برای درد دل فقرا این چاره نخواهد کرد هر وقت برون داد بکنند که آقایان نان یک من ۲ قران است میگویند ماهوت زرعی ۴ تومان است مثلا فلان چیز باین قیمت است پس گندم یک من فلانقدر را نمیخواهد بخرید و باید بقتضای مملکت و وضع حالیه رفتار بشود بنده عرض میکنم اگر بخواهند و میخواهند مخصوصاً حضرت مستطاب عالی آقای رئیس که جلیبغ دارند که این بگردد و این

نام یک برای مجلس شورای ملی و این دوره بماند لهذا بنده باین فقراتش مخالفم و عرض میکنم حالا که آن دو ماده بر گشت بکمیسیون اینماده هم برود بکمیسیون و فردا انشاء الله بانوجهات حضرت مستطاب آقای رئیس راپورت آن میباید بمجلس و آن را میگذرانیم که بلکه اسباب آسایش عموم بشود

حاج سید ابراهیم - عرض میکنم بیاناتی که شد خوب است ملاحظاتی در ماده هم بشود در ماده نوشته شده است که در وقت لزوم و بر حسب تقسیم بجهت اینکه فرض که در این شهر ده نفرند که یکی ده هزار خروار یکی پنج هزار خروار قله انبار کرده اند و محتاج الیه مملکت دو هزار خروار نمی شود گفت این دو هزار خروار از آن کسیکه دو هزار

خروار انبار کرده است بدهد یا آنکه ده هزار خرواری که ملاحظه آن جنس انبار شده را میکنند و میگویند ششصد و پنجاه خروار آن یا مقتصد خروار بدهد و در وقت لزوم هم صحیح است بجهت اینکه تمام مقدمات برای همین وقت لزوم بود و در غیر وقت محتاج الیه لازم نیست این اقدام بشود البته در غیر آن موقع حکومت نمیتواند که اجباری بگوید بفروشد و اینکه میفرمایند که ما میخواهیم قیمت عادلانه اش معین شود این یک چیزی است ما نمیتوانیم قیمت معین کنیم و علاوه ملاحظه کنید که ما این قانون را نه فقط بجهت طهران مینویسیم برای تمام ایران می نویسیم باید ملاحظه همه جا را کرد و قیمت عادلانه هر جایی در همان جا قیمت معین کنیم و باین میزان اسلامیت بگوئیم که نمیتواند انبار کنید و باید بفروشید که بکنیم بگرفران را بکنیم دو قران نکنند مانعی نتوانیم قیمت معین بکنیم برای اینکه با اطلاعات معلی و صاحب محل معین میکنند که امروز جنس واردی محل کم است باید فلانقدر بخیاز خانه داده شود و با باهالی خانه ها داده شود وقتیکه معین شد حکومت اطلاع میدهد بقدر ضرورت بردارد از روی همان تقسیم حل میکنند و رفع حاجت میشود زیاده بر رفع حاجت ما الزامی نداریم هیئت مصدقه که در حقیقت هیئت مصدقه است آنها هم میشینند و معین میکنند

رئیس - مذاکرات کافی است

محمد هاشم میرزا - بنده در یک کلمه که آنجا نوشته شده است عرض داشتم نوشته شده است باطلاع انجمن ایالتی و انجمن ولایتی این منحصر میشود شهرهایی که انجمن ولایتی داشته باشند و باین مخالفم بجهت اینکه در قضایا فقط بلدی انجمن خواهد داشت یا باید توضیح بدهند که در جایی که انجمن ولایتی هست یا اینکه حذف بشود.

حاج شیخ اسدالله - بنده در این جزای نقدی که در آخرش قرار داده اند مخالفم و نمی توانم تصدیق بکنم که یک جزای نقدی از برای آنکسکه گندم دارد معین شود ولی تصدیق میکنم که احتکار حرام است و باید او را الزام و مجبور کرد بفروش اما قانون که مینویسیم بخصوص این قانون منع احتکار باین قانونی باشد که مطابق با موازین شرعیه بخصوص شارع مقدس اجاز میدهد که در موقع حاجت جنس او را بفروشد اما دیگر جزای نقدی برای او قراردادن بنده تصویب نمیکنم و اگر هم میخواهند جزائی برای این قرار بدهند یک جزائی غیر از جزای نقدی باید فرار داد نه جزای نقدی.

خروار انبار کرده است بدهد یا آنکه ده هزار خرواری که ملاحظه آن جنس انبار شده را میکنند و میگویند ششصد و پنجاه خروار آن یا مقتصد خروار بدهد و در وقت لزوم هم صحیح است بجهت اینکه تمام مقدمات برای همین وقت لزوم بود و در غیر وقت محتاج الیه لازم نیست این اقدام بشود البته در غیر آن موقع حکومت نمیتواند که اجباری بگوید بفروشد و اینکه میفرمایند که ما میخواهیم قیمت عادلانه اش معین شود این یک چیزی است ما نمیتوانیم قیمت معین کنیم و علاوه ملاحظه کنید که ما این قانون را نه فقط بجهت طهران مینویسیم برای تمام ایران می نویسیم باید ملاحظه همه جا را کرد و قیمت عادلانه هر جایی در همان جا قیمت معین کنیم و باین میزان اسلامیت بگوئیم که نمیتواند انبار کنید و باید بفروشید که بکنیم بگرفران را بکنیم دو قران نکنند مانعی نتوانیم قیمت معین بکنیم برای اینکه با اطلاعات معلی و صاحب محل معین میکنند که امروز جنس واردی محل کم است باید فلانقدر بخیاز خانه داده شود و با باهالی خانه ها داده شود وقتیکه معین شد حکومت اطلاع میدهد بقدر ضرورت بردارد از روی همان تقسیم حل میکنند و رفع حاجت میشود زیاده بر رفع حاجت ما الزامی نداریم هیئت مصدقه که در حقیقت هیئت مصدقه است آنها هم میشینند و معین میکنند

رئیس - مذاکرات کافی است

محمد هاشم میرزا - بنده در یک کلمه که آنجا نوشته شده است عرض داشتم نوشته شده است باطلاع انجمن ایالتی و انجمن ولایتی این منحصر میشود شهرهایی که انجمن ولایتی داشته باشند و باین مخالفم بجهت اینکه در قضایا فقط بلدی انجمن خواهد داشت یا باید توضیح بدهند که در جایی که انجمن ولایتی هست یا اینکه حذف بشود.

حاج شیخعلی - اول اینکه خواهمش دارم که این جزای نقدی را که میگویند قانون ثبت اسناد را هم ملاحظه فرمایند که چقدر در آنجا نوشته شده و علاوه دولت اعلان میکنند که جنس خودتان را بفروشید باین قیمت آنوقت او بفروشد دولت میبرد با آن هیئت مصدقه برای نرخ غیره بفروشد این زحمتی که متحمل میشود در فروش غیره اینها اجرت میخواهند و این برای آن اجرتی است که از طرف دولت مأمور گذاشته اند که این را بفروشد و اینهم خلاف شرع نیست.

حاج وکیل الرعایا - مخالف بنده هم هیئت همان مخالف آقای حاج شیخ اسدالله است جوابیکه

آقای مخبردارند در قانون ثبت اسناد در آنجا یک جهات مشروعی دارد که مقیاس برای اینجا نه شود چون در آنجا محدود است ببعنی اشخاص و اینجا محدود نیست و این عرض بنده از خود آنمواد قانون بیرون میاید اما اینجا یک مجازات تقدیر امانتتوانم تصدیق بکنیم که بگیرند و اگر آن چیز را که آقای مخبر فرمودند که یک چیزی از بابت حق الزحمه و حق العمل بنویسند اگر حق العمل بنویسند میتوان یک راهی برایش پیدا کرد و امیدواریم که بعد از این در این مملکت هیچوقت لفظ جریمه گفته نشده چه بنقض قانون باشد و اینرا هم عرض میکنم که بنده بلفظ یک تومان از بابت حق الزحمه یا حق العمل نمیتواند بردارد یا خرواری پنجقران مخالفم و نمیشود گفت قیمت گندم یکمیزان نیست فرسأدر جایی است که گندم خرواری یکتومان قیمت تمامی آن باشد الان در ایران هست جاهاییکه خرواری یک تومان است پس خوب است بنسبت قیمت این حق العمل را معین بکنیم مثلا بگوئیم از قیمت فروش صدی ۲ صدی ۵ بیشتر میل دارید بگوئید صدی ۲۰ اما اصل مبلغ باید نسبتش بان چیزیکه از فروش بیرون میاید باشد و نمیشود برای این یک قیمت دائمی را معین کرد که شاید بکوتی اسباب زحمت باشد.

حاج سید ابراهیم - بنده متذکر میکنم خابر آقای حاج وکیل الرعایا را همین قانونی را که میفرمایند در حضور عدل اعلا می در مجلس گذشت و آنجا یاد داشت بودند که خلاف شرع نباشد دولت می تواند بعنوان مالیات جزیری وضع کند و این بعنوان قانون مملکتی است و اینجا میگویند که کسیکه در اینجا احتکار شده که باید در این موقع بفروشد خرواری یک تومان دولت میگیرد و آنجا جزای نقدی هم در شرع هیئت تمام ارباب کفارات جزای نقدی است جزای نقدی غیر از لفظ جریمه است قانون ثبت اسناد که اینجا گذشت چندین جا جزای نقدی بود که گذشت جریمه غیر از جزای نقدی است یعنی کسیکه تخلف از قانون بکند که باز آن است یا کشتن باشد پس این یک چیزی نیست که مخالف باشد و حق الزحمه هم میشود و غنایش را گذاشت بفر حال خرواری یک تومان و خرواری پنج هزار هیچ ضرر ندارد و اینجا هائیکه گفتند خرواری یک تومان زیاد است و در تمام ایران علی السویه نیست در آنجا احتکار صدق پیدا میکند و محتاج الیه نمیشود نایبیکه کم باشد و گران باشد

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد اصلاحی از طرف آقای افتخار الواعظین پیشنهاد شده خواننده میشود (اصلاح مزبور بعبارت ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که ماده (۴) اینطور اصلاح شود که در موقیکه هیئت مصدقه تصدیق حاجت اهالی را برای کمی آذوقه و تنگی قوت بنمایند الی آخر

افتخار الواعظین - اینجا نوشته مادامی که هیئت مصدقه تصدیق کمی جنس را بکنند کمی جنس میزانی ندارد ممکن است که حاکم یک محلی مطابق آن تعلیمیکه بامورین بلدی داده شده است بگوید آنچه مأمورین بلدی تحقیق کرده اند در حالتی که خوراک این شهر که روزی صد خروار است روزی دو خروار کمتر وارد میشود و بگندمدارها بگویند که شما گندمتان را بفروشید و اگر نفره خفتند می آید

می فروشد و آن حق الزحمه را بر میدارد اینجا میزبان تصدیق هیئت مصدقه است در هر وقت که مردم محتاجند برای کمی آذوقه و برابری تنگی غله آنوقت باید اختطار بکنند میزان ما حاجت اهالی است نه اینکه کم بودن شاید در خود شهر کم است و در بن فرسخی زیاد باشد دوست هزار خروار غله در خارج است امروز بنیابورند فردا وارد میکنند مناط حاجت عامه است

حاج شیخعلی - در اینصورت مجلس حاجت را خواهند گفت وقتی است که مردم مردند و باین ترتیب نمی توانیم جلو گیری بکنیم و بزرمت نیتیم

رئیس - رأی می گیریم در قابل توجه بودن اصلاح آقای افتخار الواعظین آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح دیگری از طرف آقای افتخار الواعظین پیشنهاد شده فرائت میشود بنده پیشنهاد میکنم که حق الزحمه مأمورین از قیمت گندم فروخته شده صدو معین گردد

افتخار الواعظین - بهمان هلی که آقای حاج وکیل الرعایا فرمودند که قیمت گندم اختلاف پیدا میکند بهمین جهت بنده پیشنهاد کردم صدو و اصراری هم صدی دو ندارم ولی عرض می کنم که ما باید مناط را قیمت گندم فروخته شده قرار بدهیم حالا میزان را هر طور که صلاح می دانند که حق الزحمه متوجه باشد قیمت گندم بفر قیمتی فروخته شده است بیزان قیمت گندم فروخته شد صدی دو صدی سه صدی پنج بگیرند نه اینکه بگوئیم در هر جا خرواری

۱ تومان بگیرند

رئیس - مخبر چه میگویند

حاج شیخعلی - صدی دو چنین معلوم میشود که اگر صدمن را دولت زحمت کشیده فروخت آن وقت از صدمن چهار قران بگیرند چهار قران قیام داری نخواهد بود

رئیس - رأی می گیریم باصلاح آقای افتخار الواعظین در صدی دو آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد (سه فقره اصلاح دیگر پیشنهاد شده فرائت میشود) (بترتیب ذیل خوانده شد)

(۱) از طرف آقای میرزا داود خان بمضمون ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد می کنم که حق الزحمه از قرار ده یک از عین جنس داده شود

(۲) از طرف آقای آقامیرزا ابراهیم قمی بنده پیشنهاد می کنم که دولت صدی ده حق بر دارد

و بانها تمدی نشده است و علاوه اینکه حق الزحمه را از عین جنس بر دارند بالطبع قیمت جنس را باین خواهد آورد

حاج شیخعلی - ما مقصودمان از این گرفتن دخل دولت نیست مقصودمان حق الزحمه است و صدی ده را بنده زیاد می دانم اگر صدی ده پیشنهاد کنند بنده قبول میکنم

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده پیشنهاد خودم را مسترد می دارم و پیشنهاد آقامیرزا داود خان را قبول میکنم

رئیس - رأی می گیریم باصلاح آقا میرزا داود خان که آقای قمی هم قبول کرده است آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

حاج شیخعلی - بنده خودم پیشنهاد میکنم که در صدی ده از عین جنس داده شود

رئیس - رأی میگیریم بخود ماده چهارم همین ترتیب باتبصره که خوانده شد آقایانیکه ماده چهارم را باتبصره تصویب میکنند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - چند فقره عرایض که راجع بامتهاد مجلس است راپورت کمیسیون عرایض پانزده آفاتیکه رسیده است جزء دستور امروز است لازم است داخل مذاکره آن بشویم یا برای جلسه بعد بگذاریم (گفتند جلسه بعد در اول جلسه مطرح شود)

رئیس - چون وجود وزراء لازم بوده از اینجهت سؤال کردم (گفته شد صحیح است)

رئیس - پس رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند جلسه بعد مذاکره بکنیم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - دستور جلسه روز شنبه اول مذاکره در باب تمدید مجلس - بمذراپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بنجم نوغان - ثالثاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بارباب لطف الله و ابتهاج السلطنه راپورت قانون شرکته تاروز شنبه نخواهد رسید جز دستور بکشنبه خواهیم گذاشت و چون کار زیاد است خواهش دارم که یکشنبه هم مجلس باشد

حاج شیخ الرئیس - پیشنهادی بامضای جمعی از نمایندگان تقدیم شده برای انقضاء کمیسیون بودجه در پنجشنبه

رئیس - بله راجع بحسام همایون جزء دستور شنبه میگذاریم خواهش دارم کمیسیون محاسبات روز شنبه منعقد بشود آقای ارباب کبشرو و سایر مباشرین راپورتی دارند که باید بکمیسیون بدهند و روز یکشنبه بمجلس بیایند خواهش دارم که روز شنبه صبح کمیسیون محاسبات منعقد شده مجلس یکساعت و نیم از شب گذشته ختم شد

جلسه ۳۲۰

صورت مشروح روز شنبه ۱۹ شهریور

ذیقهه الحرام ۱۳۳۹

رئیس آقای مؤتمن الملك سه ساعت قبل از غروب آفتاب بجای خود جلوس نموده و پس از ده دقیقه مجلس افتتاح شد

۱

صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۷ آذر ماه ۱۳۲۶
 رضاخان قرائت نمودند .
 غائبین جلسه قبل .
 بدون اجازه - آقایان حاج امام جمعه - آقای سید حسن مدرس - آقای حسینی خان .
 مرخص - آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا و آقای آقا سید محمد باقر ادیب .
 غائب با اجازه - آقایان آقا میرزا ابراهیم خان - آقای حاج آقا آقای لواء الدوله آقایانیکه از وقت مقرر تا غیر نودماند آقای آقا شیخ علی شیرازی یکساعت و نیم . آقای حاج وکیل الرغایب یکساعت و ده دقیقه آقای دکتر امیرخان و آقای میرزا ابراهیم قمی یکساعت آقای دکتر اسمعیل خان آقای مستدلالتجار نیمساعت .

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟
حاج شیخ علی خراسانی - ماده سیم از قانون منع احتکار بنده چنین خاطر ماست که تصویب شود در صورت مجلس بنده شنیدیم که نوشته تصویب نشده تصویب شده تصویب شده ماده چهارم تصویب نشده .
رئیس - از قانون منع احتکار فقط ماده اول تصویب شد دیگر ملاحظاتی نیست در صورت مجلس (صورت مجلس تصویب شد) یکی از مطالبی که جزء دستور مجلس است مکاتبات و تلگرافاتی است که از ولایات رسیده است راجع باقی مجلس .

مهرزاد الملک - بنده تصور میکنم که مذاکراتی که راجع با تعداد مجلس است خوب است با حضور وزراء شود که نظر آنها در این خصوص معلوم شود و تا آمدن وزراء بنده يك تقاضای مکرر دارم و آن استفاده از نفر آمریکائی است که اول در این خصوص مذاکره کنیم بلکه وزراء هم بیایند اگر هم نیامند بعد در آن خصوص مذاکره شود .

رئیس - این رایوررتیکه در خصوص مستخدمین آمریکائی داده شده است ماده بندی نشده است خوب است مخیر کمیسیون آنرا ماده بندی بکنند و حالا شروع میشود به نظر دیگر تا ماده بندی شود **مهرزاد الملک** - بله صحیح است .

رئیس - رایوررت کمیسیون فواید عامه راجع به تخم نوغان این شور اول است .

افتخار الواعظین - برای این که چون وقت باقی نمانده است و باید تکلیف اینکار معلوم شود تا آقای محترم السلطنه بتوانند بعضی اسباب و لوازم این کار را فراهم کنند و وزراء هم که در کمیسیون مذاکره میکنند تقاضای فوریت این لایحه را کردند این است که بنده از طرف کمیسیون تقاضای فوریت را مینمایم که بقوریت بگذرد .

رئیس - رای میگیریم بقوریت این لایحه **منتصر السلطان** - بنده عرضی دارم .
رئیس - بفرمایند .

منتصر السلطان - اینصوب تخم نوغان خالی از اهمیت نیست که مجلس فوریت آنرا رای بدهد چون در واقع و مطلب است بلکه ۳ مسئله راجع بدین تخم نوغان که صحیح است یا غیر صحیح که هر چه ۱۵ شاهی حق المعاینه گرفته میشود یکی راجع به پنجاه سال مدت این امتیاز است پس چون يك

چیز جزئی نیست که بتوان بدون وقت در او وارد شد لهذا میخواستم عرض کنم که فوریت معنی ندارد و باید دو شور شود و خیلی هم باید وقت کرد و خیلی اهمیت دارد و تقریباً چندین ملیون تومان تفاوت اینگونه چیز هست و باید از روی دقت و غور رسیدگی بشود .

افتخار الواعظین - عرض کنم که اگر در موقع امتیاز و امتیاز دادن بود بنده عرض میکنم که مهم است و باید دو شور شود لیکن باید بدانند آقای منتصر السلطان که دولت قبلاً امتیاز داده است و این امتیاز متعلق است به آقای حاج محترم السلطنه و این لایحه برای دومطلب آمده است مجلس یکی آنکه حق المعاینه را در امتیاز نامه اولی بکفران معین کرده بودند و پیشنهاد مجلس سابق شده بود و مجلس سابق در اینصوب دینار مذاکره کرده و موافق هم داده نشده است چون در هیئت وزراء موافق بوده است وزراء مذاکراتی کرده اند بآن اشخاصی که طرف معامله هستند و یازده شاهی تمام کرده اند و پیشنهاد شده است به مجلس و یکی دیگر هم برای تمدید آن هفت سال است چون ایشان هفت سال مدت داشته اند و یکسال و نیم باقی است که در این مدت تخم نوغان را باید حاضر کنند و آنهم ممکن نیست برای اینستکه بتوانند تخم نوغان را با اندازه کم ملک محتاج است حاضر کنند .

رئیس - دلایل فوریت را بگوئید .
افتخار الواعظین - دلایل فوریت این است که آقایان مسبقاً در این مسئله تخم نوغان در مملکت مخصوصاً در مازندران و گیلان یکی از مسائل مهم است که بواسطه ضایع بودن تخم نوغان در این اواخر ضرر کلی باهالی رسیده و اگر این لایحه باین زودی و فوریت نگذرد حالا که موقع ورود تخم نوغان است و تخم نوغانهایی که وارد میکنند باید معاینه کنند و صحت و سقمش معلوم شود اگر این را حالا نگذرانند ممکن است که مثل سابق تخم نوغان فاسد وارد کنند که فساد آن اسباب خسارت بر ایریشم و بیله بلکه ثروت مملکت وارد شود دلیل فوریتش این است .

رئیس - پیش از این مذاکره نمیشود رای میگیریم در فوریت آقایانیکه فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلیلی قیام کردند)
رئیس - تصویب نشده مذاکرات در کلیات است در کلیات کسی مخالف است .

منتصر السلطان - این رایوررتی را که کمیسیون فواید عامه تقدیم مجلس کرده است و تاریخ اصلی این امتیاز را از بیست و چهارم شوال ۱۳۲۴ معین کرده است از روی این تاریخ یازده ماهه پنجرور باقی است که مدت این امتیاز تمام شود و امتیازش باطل شود بموجب این ورقه که در زمان استبداد داده شده است ۱۱ ماه و پنجرور است چون شرط شده است در مواد این امتیاز که دولت مدت هفت سال حق المعاینه و ۵ سال مدت این امتیاز را میدهد برای معاینه تخم نوغان و بنای دستگاه تخم نوغان سازی با اندازه که تجار ایران لازم دارند که حالا تقریباً طرف شمال چهارصد هزار جعبه وارد میشود و طرف جنوب ایران یکصد هزار و چیزی وارد میشود اینرا تهیه بکنند که البته بعد ها هم زیادتر

این امتیاز را بدهیم که دولت بدولت ایران بدهد با این ادله مخالفم و اگر مجلس شورای ملی صلاح میدانند بدولت اجازه بدهد که اینرا خود دولت بفروشد و اگر مالیاتی گرفته میشود خود دولت بگیرد چرا بدیگری بدون جهت واگذار کنیم .

افتخار الواعظین - بنده اطلاعات شخصی خودم را که در باب تخم نوغان وزارت بیبه دارم عرض میکنم بعد ادله آقای منتصر السلطان را يك يك رد میکنم که بدانند اینطور نیست در یکی از سالهایی که بنده در گیلان بودم وزارت تخم نوغان با اندازه خوب شده بود که آنسال را که تخمین زده بودند که بدانند چه اندازه تخم نوغان بعمل آمده است و چقدر از گمرک رد میشود صورتیکه گمرک داد هفت کرور تومان بود بعد يك عده از تجار خارجه در گیلان آمدند و از برای خودشان این تخم نوغان فروشیدند يك نوع از تجاریت قرار دادند و تخم های نوغان را اعم از فاسد و صحیح در میان کمیسه میریختند میآوردند گیلان و آنوقت در جبهه میریختند در موقع فروش هم آقایان نمایندگان همه اطلاع دارند که میان خودشان يك اتحاد و اتفاق می کردند یعنی هم عهد میشدند که اگر تخم نوغان فاسد شود بریزیم و از آن نهمیم مگر بسایر دو تومان و بیست پنج هزار و سه تومان بفروشم در يك موقعی شد که یکبار سه تومان و دوهزار هم فروختند و همان طوریکه فرمودند شاید جعبه بکفران برای آن ها تمام میشد و فوایدیکه از این راه برده اند ایشک بهمان اکتفا کرده بودند تخمهای ضایع را هم آوردند و فروختند و سالهایی که بنده آنجا بودم هفت کرور تومان عایدی باهالی گیلان می داد دوسال بعد رسید بسو کرور تومان برای اینکه از طرف دولت کسی نبود که رسیدگی کند و برود معاینه کند و تخم های نوغان فاسد را از صحیح تمیز بدهد مردم خریدند و زحمت کشیدند در موقع بردن حاصلشان فاسد شود کرورها بگیلان و اهالی گیلان ضرر و صدمه وارد آمد و حالا برای اینکه باین زراعت بزرگ در گیلان لطمه نرسد گفته اند در هفت سال از قرار جعبه یازده شاهی حق المعاینه بگیرند و اما این را که دولت با آقای حاج محترم السلطنه داده است با این ادله بود که عرض کردم دولت با حاج محترم السلطنه قرارداد کرده دوکار بکنند یکی آنکه در خود داخله در مدت هفت سال با اندازه احتیاج اهالی تخم نوغان فراهم کنند که سالی مبالغی بول مملکت ایران بخارجه نرود و یکی دیگر آنکه مادامی که با اندازه احتیاج داخله فراهم نشده است آن تخم نوغانهایی که وارد میشود با ذره بین و آلات و اسباب علمی اشخاص را تمیز کرده اند به بینند و رسیدگی بکنند که مبادا باز اسباب خسارت اهالی ایران شود و صدمه برای این زراعت بزرگ شود پس فوائد این امر برای مملکت هیچ محل گفتگو نیست و بنده عرض میکنم این مسئله سالی مبلغی از برای ایران فائده دارد برای گیلان تنها این مسئله سالی کرور ها منتفع دارد بجهت اینکه تخم نوغان را هنوز هم از خارج میآورند و برای آنکه آن تخم نوغانهایی که از خارجه می آورند معاینه کنند خیلی خوب است خیلی فائده دارد و ممکن است که مبلغی از این ترتیب تا زمانی که خودمان در داخله تخم نوغان عمل نیآورده ایم برای

اهالی مملکت فائده داشته باشد و اینکه فرمودند که مجلس سابق این امتیاز را رد کرد مجلس سابق این امتیاز را رد نکرد گویا اشتباه فرموده اند وقتی که در این باب صحبت کردند وزارت امور خارجه باینکی دوسر از سفرای محترم مذاکره کرده بود بیک نفرشان بکفران را قبول کرده بود و بیک نفر دیگر یا بنص دینار قبول کرده بود این بود که آوردند به مجلس سابق در مجلس سابق مذاکره شد آقایانیکه تصویب کرده اند یا تصویب نکرده اند هنوز نقطه ایشان هست رجوع کنند بنقطه های سابق نمایندگان معلوم میشود فقط شاهزاده اسدالله میرزا ایراد کردند که ما می خواهیم بدانیم که مدت این حق المعاینه تا چقدر است و حال آنکه در فصل ۱۵ خود این امتیاز نامه مصرح است که مدت هفت سال است چون این اشکال را کردند رئیس محترم مجلس آقای حاج احتشام السلطنه بودند گفتند پس باشد تا تحقیق کنیم و در جلسه دیگر برای بگیریم بعد در جلسه دیگر اتفاقاتی افتاد و سوانحی پیش آمده که رای نتوانستند بگیرند پس اینکه فرمودند مجلس سابق رد کرده است خیر رد نکرده است تا بنیاً میفرمایند که می خواهند يك تعمیلی ترتیب نمایند خیر این یازده شاهی تعمیلی ترتیب نیست که سانیکه تجارت این تخم نوغان را می کنند در گیلان بکفران یاد و نافر هستند که اتباع داخله هستند بجز از بکفران و دو نفر تمام اتباع خارجه هستند که از خارجه این تخم نوغان را وارد می کنند و حالا می گویند این تخم را که وارد می کنند معاینه کنند که تخم فاسد برود نروشد و يك مرتبه ۵ کرور بزراعت و فلاحت مملکت ضرر وارد نیاید ثالثاً فرمودند وقتی که مجلس شورای ملی تعمیلی ترتیب میدهد اسباب زیادی تجارت و فلاحت مملکت باشد بلی مجلس شورای ملی اگر امروز رای بدهد اینجا برای زیادی تجارت است برای فائده مملکت است اشتباه نشود ما امروز نمی خواهیم امتیاز بدهیم فقط آن مدت هفت سال که داشته است صاحب امتیاز ۵ سال و چند روز بر او می افزائیم و اینهم در حالتی است که سابق این امتیاز را داده اند بدون اینکه دولت کمیکی کند خود حاج محترم السلطنه فرستاده است از اروپا معین اجیر کرده است اسباب و لوازم این کارها را فراهم کرده است و دوسال هم در گیلان بوده است و این تخمها را معاینه کرده است بعد این انقلابات اخیر گیلان اسباب برجیدن این کار شده است و آنچه می فرمایند وجدان يك نمایندگان البته وقتی که نمایندگان محترم دیدند که يك امتیازی داده میشود بیک نفر از افراد ملت ایران در صورتیکه بملتمس تحمیلی نیست و اسباب زیادی ثروت و ترویج فلاحت ایران هم هست البته وجدان یا کاشان تصدیق خواهد کرد که تصویب بکنند آنچه را که از طرف وزراء پیشنهاد شده است .

حاج شیخ علی - این امتیاز نامه که سابق داده شده است یکی امتیازی بوده است که يك شخص گرفته است بجهت اینکه تخم کرم ابریشم بجهت این مملکت تهیه کند اگر تا هفت سال تهیه کرد که این امتیاز و آن شرایط دیگر در حق او بر قرار است و اگر نکرده این امتیاز از درجه اعتبار ساقط است این اصل امتیاز سابق است و از آن تاریخ تا حال ۶ سال و نیم

است که ۶ ماه دیگر باقی مانده فرضاً هشت ماه ده ماه باقی مانده باشد و در اینصورت هر چه بنده دیدم تخم کرم را تمام از خارجه می آورند و آنصورتیکه دولت داشته است که تخم کرم در داخله بعمل بیاید یعنی در همین جا بعمل بیآورند که بول ایران بخارجه فرخته باشند شده است حالا میخواهند آن مدت را تمدید بدهند و چند سال بر آن مدت اضافه کنند یعنی تصدیق امتیاز پنجاه سال داده شود یعنی بعد از این مدت تازه بیاید تهیه بکنند عیبی ندارد بیاید بکنند این را بنده نمیتوانم تصویب کنم مخیر فرمودند که هفت - کرور یا ۵ کرور تخم نوغان در داخله فروخته شده است ما که هنوز تخم نوغان در داخله ندیده ایم و تمام تخمها را از خارجه وارد کرده اند این هفت کرور را فرض ۴ کرور یا سالی يك کرور آنوقت یازده شاهی خیلی خواهد بود اگر قبی الواقع دولت لازم میدانند اینصوب را خودش خوب است این کار را اداره کنند و این جبهه ۱۵ شاهی را بجهت خودش بگیرد چه ضرر دارد که ما خودمان اداره نکنیم و بدهیم بفر آقای مخیر گمان نکنند که این ۱۵ شاهی از کیسه اهالی این مملکت نمیروند بجهت اینکه آنکسبکه دارای تخم نوغان است این یازده شاهی را علاوه می کند روی قیمت تخمهای نوغان ابتدا ضرر را نمیکرد حالا ما بیاییم يك دخل فوق العاده را که اداره کردنش هیچچیز از برای ما ضرری ندارد بدهیم يك کس دیگری این هیچ جهت ندارد .

افتخار الواعظین - بنده برای اینکه جواب آن اشتباه را عرض کرده باشم جواب آقای حاج شیخ علی را بدهم ولی جواب سایر ایرادات ایشان بسیار آقایان محول میکنم که موافق هستند ولی این را خواستم عرض کنم اینکه فرمودند که بنده عرض کرده ام سالی پنج کرور تخم نوغان وارد میشود بنده عرض کردم در یکی از سالهایی که بنده در گیلان بوده ام حاصل رسید به هفت کرور و بواسطه تخمهای فاسدی که وارد کرده بودند دوسال دیگر آن هفت کرور رسید بدو کرور و بواسطه فاسدی او ۵ کرور صدمه وارد آمد باهالی گیلان نه اینکه ۵ کرور تخم نوغان وارد شده است اینک آقای منتصر السلطان می گویند سالی هشتصد هزار جعبه تخم نوغان از خارجه وارد میشود آنهم آنطور نیست بموجب آن چیزی که دولت از گمرک تعقی کرده است منتهاش سالی سیصد هزار جعبه بیشتر وارد نمی شود .

رئیس - مذاکرات در کلیات کافی نیست (بعضی گفتند کافی است بعضی گفتند کافی نیست)
رئیس - رای میگیریم که مذاکره کافیست یا کافی نیست آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (عده قیام نمودند)
رئیس - معلوم می شود که مذاکرات کافی نیست .

ادیب التجار - اولاً خیلی لازم بود که معاون وزارت فوائد عامه در اینجا تشریف داشته باشند در مذاکرات يك چنین امتیاز مهمی دفاع نمایند برای دفاع لازم بود که باشند تا بنیاً از قراریکه بعضی نوشتجات را خود دیدم که از رشت بعضی تجار معتبر نوشته

بودند کدر طهران هم هستند آن تجاری که معتبر و ثوق هستند و طرف و فوق وزراء هم گویا باشند در حقیقت ده شاهی مخارج معاینه را قبول نکنند در صورتیکه تمام مخارج بعهده خودشان باشد و نصف را بدولت بدهند یعنی پنجشاهی را خودشان بپردازند پنجشاهی هم بدولت بدهند در این صورت باز عهده ام این است که این کار را خود دولت اداره کند چنانچه بعضی موارد که میگوئیم از عهده دولت شاید خارج است و شاید بواسطه توسعه ادارات خرج دولت مزید بر دخل میشود اینکار اینطور نیست بجهت اینکه این راجع بگیلان است راجع سایر نقاط مملکت نیست و از فراری که آمدهای بصیر توضیح داده اند سالی ۶ هزار تومان مخارج اداره کردن این کار است اگر بخواهند این کار را اداره بکنند و شعبه از گمرک یا مالیه باشد ممکن است اداره گمرک و انبار کنند که خود اداره گمرک این کار را اداره کند و یقیناً سالی ۶ هزار تومان یا هفت هزار تومان بیشتر مخارج ندارد در صورتیکه بیشتر از این مبلغ نیست خوبست یا خود دولت باشد این است که بنده مخالفم و مخالفتم را هم عرض کردم در این صورت چه لازم است که این امتیاز را تجدید کنیم .

دکتر سیدالاطباء - اینجا خیلی مذاکرات

شما از آنجمله آقای ادیبالتجار شکلی صحبت فرمودند مثل اینکه یک امتیازی است که تازه به مجلس آمده است و حالا میخواهد بگذرد اگر چه آقای افتخار الواعظین اینجا اظهار فرمودند که این امتیاز داده شده است و آنطوریکه آقای حاج شیخ علی فرمودند هفت هشت ماه دیگر باقی مانده است بنده عرض میکنم این امتیاز شخصی است و اگر درست دقت بفرمائید چهارده یا نوزده ماه دیگر باقی مانده است و این مسئله امتیازی که گرفته شده است یعنی آقای محتشم السلطنه گرفته اند باید دید که خودشان وارد این مذاکره شده اند یا نه چون از طرف اهالی گیلان در موقعی که مرحوم مظفرالدین شاه بفرنگ میرفت شکایات زیادی داشته و مذاکره کردند که تخم نوغانیکه می آید از خارجه قریب دو نلتش فاسد است و باین واسطه ضرر فوق العاده وارد می آید با اهالی گیلان در اینموقع هم آقای محتشم السلطنه این امتیاز را گرفته اند با آن فصولی که نمایندگان ملاحظه فرموده اند و در مجلس سابق هم که آقای منتصر السلطان فرمودند رد شده است و بنده نمره های آن روزنامه را دارم و فراموش کردم همراه بیاورم و عرض میکنم کرد نشده است فقط شاهزاده اسدالله میرزا همان طوریکه آقای افتخار الواعظین فرمودند اظهار کرده بودند بدون اینکه نظر باصل ۱۵ امتیاز امه بکنند که مدت این معاینه چقدر است و وکلای آنوقت هم هیچک آن فصل را در نظر نداشته اند و نظر ایشان هم باین بوده است که رفتن وجه معاینه تا چقدر مدت است و نظرشان باین نبوده است که گرفتن وجه معاینه در فصل ۱۵ معین شده که تا هفت سال است و آقای احتشام السلطنه فرموده بودند تحقیق میکنم در جنبه دیگر رأی می گیریم در این ضمن متأسفانه بواسطه بعضی اتفاقات آقای احتشام السلطنه استعفاء میدهند

منتصر السلطان

در مسئله امتیاز اوله آنرا ابتداء عرض کردم و اگر تفاوت سال شمسی و قمری را حساب بکنیم یکسال و دو ماه پنجروز باقی است که باید تهیه بکنند تخم نوغانی را که احتیاج دارند تمام داخله ایران برای ابریشم و تحویل بدهند و اگر در آخر یکسال دو ماه و پنجروز بتواند بیاورد و پنجاه هزار جعبه باندازه کدر داخله ایران تفایت کنند تهیه این امتیاز باطل است آقای حاج محتشم السلطنه هم اولاً متخصص در این کار نیستند و ناچار باید معین از خارجه بیاورند و در اینصورت یک سال و دو ماه و پنجروز لو فرض چندین متخصص هم بیاورند برای اینکه تمام تخم نوغان ایران را بدهد اینرا هم بنده

از قوه ایشان که سهل است تمام ایران هم اگر کمیانی بشود گمان نمیکنم بتواند در ظرف این یکسال و دو ماه این تخم نوغان را تهیه کنند و این اداره تشکیل کند و اگر ما بخواهیم ترتیب قدیمه این قبیل کارها را که بدون ترتیب میکردند امروزه بکنیم پس فرق میان مجلس شورای ملی با زمان استبداد چه چیز است اینست که باید از روی مطالعه و دقت نگاه کنیم به بینیم در این امتیاز آیا صرفه و صلاح دولت و ملت است یا خیر در وقتی که بر ما ملال شد که این شخص که میخواهد این کار را بکند متخصص نیست و باید معین این کار را از خارجه جلب کند و بیاورد و برای چهارده ماه دیگر هم اقدامی که بکنند نمیتواند بوعده خودش وفا بکند و این با تطبیق بکنوع مالیاتی است که امروزه وضع میشود از طرف مجلس شورای ملی حالاً فلان دولت چه میگیرد کار نداریم مادر مملکت ایران گفتگویی کنیم و جعل و وضع یک قانونی امتیازی و مالیاتی را می کنیم پس بنده عرض می کنم وقتی که مجلس شورای ملی صلاح دانست که یک چنین اداره وضع و تأسیس بشود از فرورشته مالیات بگیرد چه از تبه داخله باشد و چه از تبه خارجه کدر این مملکت ابریشمش بفروش برسد چه فرق میکند که این کار را دولت بکند یا این شخص در صورتی که میمانیم وقتی که جعبه دوازده قران را بیکتومان هم مالیات به بندیم او نمی آید جعبه دوازده قران بفروشد میگوید جعبه بیست و دو قران و هر قدر که برای او صرفه بکند میفروشد و منم بسوی یک فعلی صاحب امتیاز اجازه داده است از درخت های که در کنار رودخانه ها و در دهات دولتی برای اینکار غرس شده است زراعت نوغان بکنند و در هر جائیکه صاحب امتیاز صلاح بداند درخت توت غرس بکند برای ابریشم ملاحظه بفرمائید چه امتیاز بزرگی است که میدهند بیک نفر از برای منافع شخصی خودش و وقتیکه ما بخواهیم امتیاز تمام رودخانه ها و قراء و قصبه جات دولتی را بدهیم باین صاحب امتیاز که او درخت توت بکارد که یک نوع زراعت می باشد و از آنطرف تجارت را تجدید بکنیم از برای این زراعت چه ضرر دارد با اینکه او را شخصی نماندیم مجلس شورای ملی رأی بدهد که دولت خودش این را اداره کند و خودش مالیات او را برای امورات مجلس و بمصارف عمومی برساند نه اینکه یک فردی از افراد ملت در سالی ششصد هزار تومان یعنی از جعبه های تخم نوغان جعبه دوازده قران بملاوه بول تمیر ببرد که نصف مال دولت و نصف متعلق با او خواهد بود و حق و غیره را هم که مبلغ گزافی است ببرد که در یک فصل معین است این را ملاحظه بفرمائید که چه مبلغهای گزاف میشود مخصوص در مدت پنجاه سال و این راهم عرض بکنم که چند نفر از تجارند که حاضرند با شرایط خیلی سهل و ساده این امتیاز را بگیرند و بهیئت وزراء هم در این باب نوشته اند بمجلس شورای ملی هم گویا در روز یا امروز از قراریکه یکی از آقایان نمایندگان الان بن نوشت اظهار نموده اند اولاً استعفاء میکند آن شخص تاجر ایرانی که این مالیات را دولت ببندد و خودش بگیرد برای مصارف عمومی و ثانیاً استعفاء او این است که اگر دولت

میخواهد حکماً این امتیاز را بدهد چون این امتیاز قانوناً تصویب نشده است ولو فرض هم حکم بصحت نکنیم تا چهارده ماه دیگر نمیتواند تأسیس بکند یک اداره را که بتواند تخم نوغان برای تمام ایران تهیه بکند آن تاجر میگوید که حاضر هستم که از عایدات صدی پنجاه بدولت بدهم و تمام مخارجات بعهده خودم باشد و حق معاینه و تفتیش را هم از هر جعبه ده شاهی میگیرم و تخم نوغان را هم در هر هفت سال عمل میاورم و قیمت را نصفه میفروشم که شش قران باشد این یک قران خرج او است و پنجقران دیگرش را سه قران بدولت میدهم و دو قرانش را خودم میبرم که در واقع تمام اخراجات با او میشود و صدی پنجاه هم بدون اخراجات بدولت میدهم و استعفاء میکند که این مالیات را که ما رعایا می بندند دولت ببرد و بمصارف عمومی برساند نه اینکه بیک نفر بدهند .

افتخار الواعظین

این فرمایشات یک شکلی است که اگر من در کمیسیون نبودم و سابقه و لاحقاً این کار را نمیدانستم واقعاً با اشتباه مبادت اولاً به بینیم کجا میگوید که پس از هفت سال این امتیاز لغو خواهد بود در فصل اول میگوید که این امتیاز تا پنجاه سال دیگر با او و ورثت او خواهد بود پس امتیازی است که باو داده شده و یک امتیازی که بوجوب یک فرمانی دولت میدهند بیک کسی بعد از مدتی فرمان دولت بزمایه گذاشته نخواهد شد (گفتند فصل هشتم را بخوانید)

فصل هشتم را بخوانیم فصل هشتم میگوید تا یکسال از تاریخ صاحب امتیاز باید شروع بتکالیف مقرر نموده و تا هفت سال بقدر حاجت مملکت تخم نوغان بعمل آورده که رفع حاجت از تخم نوغان خارجه بشود .

اولاً عرض کنم این شخص نه این است که بتکالیف خودش عمل نکرده است و تا هفت سال نتوانسته یا نتوانسته است تخم نوغان باندازه حاجت تهیه کند در هفت سال نمیتوانسته است در صورتیکه این انقلابات پیش نمی آمد برای اینکه تلمباریکه مخصوصاً ساخته است برای عمل آوردن تخم نوغان آن تلمبار را در وقت انقلاب آتش رده بودند معدک این شخص تخم نوغان بعمل آورده است و با اهالی داده است و اهالی هم از آن یک قدری بیله بعمل آورده بودند و اما اینکه مفرمانده هر جعبه را که او بفروشد به دوازده قران یا پانزده منافعش سالی میشود ششصد هزار تومان ششصد هزار تومان را دولت خودش ببرد خیلی خوب خواهد بود اما در این امتیاز نامه و آنچه پیشنهاد شده ابتدا همچو چیزی نیست ابتدا نگفته است که وقتی من تخم نوغان را بعمل آوردم جعبه بیکقران یا دوقران یا سه قران یا بیکتومان یا پانزده قران خواهم فروخت با نصف منافی که برای این شخص هست این است که ششصد هزار جعبه تخم نوغان بایران وارد میشود از هر جعبه پانزده شاهی حق المعاینه سالی ششصد هزار پانزده شاهی می گیرد و سالی باندازه قریب ده دوازده هزار تومان بتفاوت منافع او است و هر قدر هم که منافع هاید او بشود یک هشت بدولت میدهند تخم نوغانی را

هم که بعمل بیاورد مردم مجبور نیستند کاز او بخرند دولت امتیاز فروش تخم نوغان را با صاحب این امتیاز نمیدهند صاحب امتیاز مکلف است برای رفع حاجت اهالی تخم نوغان بعمل بیاورد اهالی مختارند کاز او بخرند یا از دیگری بخرند شاید اگر او تخم نوغان بعمل آورد آن خارجه بدهد چهار هزار و او ناچار میشود بدهد سه هزار و این منافع ششصد هزار تومانی را که فرمودند سهل است اگر سالی شصت هزار تومان هم فایده داشته باشد بنده خواهم گفت آن شصت هزار تومان بخرانه دولت برسد ولی سالی ششصد هزار جعبه است کاز هر جعبه پانزده شاهی بگیرد و از آن عشر هم بدولت میدهد و این منافی است که او میبرد .

ناصر الاسلام

معتبر محترم دفاعی که کردند از مغالطین واقعاً اگر از روی همان اطلاعات بوده که میفرمودند بنده هم خیلی خوشوقت میشدم اما متأسف میخورم که خودشان در آن موقع کدر گیلان تشریف

داشتند درست مطلع نشدند و دور نیست بخوی که لازم بود اگر میخواستند مطلع بشوند میتوانستند مطلع بشوند که صاحب امتیاز آنطوریکه باید داخل عملیات بشوند نشدند جعبه پانزده شاهی حق المعاینه گرفت و تقریباً یکصداری از این راه عاید صاحب امتیاز شد و او در عملیات شدن یکی اینست که معین صحیح بیاورند و در محل هائیکه برای اینکار خوبست آنجا بناهای لازم بسازند و حاضر کنند از برای تخم نوغان و متأسفانه هیچک از این عملیات در گیلان نشده است بلکه چیزی که بود این بود که یکسال از تخم نوغان هائیکه فاسد بود آن شخص در گمرک آنها را آتش زد و یک عده زیادی از گیلانیها از این خسارت محفوظ ماندند و منافی هم بایشان رسید اما چه خسارتی بایشان وارد شد بنده مسیوق نیستم بلکه در اینکه اهالی گیلان در موقع مسافرت مرحوم مظفرالدین شاه بفرنگ و هودت بایران تقاضا کردند از او برای خسارت از تخم نوغان هائیکه از خارجه وارد میشود راست است زیرا در یکسال اهالی گیلان از خریدن تخم نوغان فایده بردند ولی بعد از آن خسارت بگیلانها وارد شد بواسطه همین معامه تخم نوغان در زیر قرضهای بزرگ هستند و امروز نظر باینست که باید اهالی مملکتی را از خسارت حفظ نمود و کاری کرد که هم یک خدمتی بمملکت شده باشد و هم یک خدمتی بملت عهده نظر ما باین باشد امروز چه ضرر دارد همانطوریکه بعضی اظهار کردند دولت این کار را خودش اداره بکند و از برای اینکار مصارف فوق العاده مالییه زیادی لازم نیست برای اینکه از روی اطمینان عرض میکنم که امروز عایدی اینکار زیاد است برای اینکه علاوه ششصد و پنجاه هزار جعبه تخم نوغان قطعاً خود گیلان است و وقتی که حق المعاینه آنها را حساب بکنیم و تقریباً ۲۶ الی ۲۷ هزار تومان عایدی آن میشود اما برای معاینه کردن صاحب امتیاز هر جعبه چند باید بگیرد بآن نحویکه بنده در نظر هست بآن روزنامهائی که آقایان نقل میکنند بنده در آن مجلس بوده یعنی جزء تماشاچیان بودم که در این باب مذاکره شد و مرحوم وکیلالتجار خیلی دلایل متقن محکم نقل کردند بواسطه اظهاراتیکه او کرد در آن ماده ای گرفته شد و رد و قبول او در آن مجلس معلوم نشد و حالا بنده

فوق العاده اصرار نمیکند همینقدر عرض میکنم که در این عمل باید ملاحظه صرفه دولت و ملت را کرد یعنی نظراً باین باشد که امروز اهالی یک مملکتی آسوده خواهند بود بدولت هم یک فایده خواهند رسانید بنده بآن دلایلی که عرض کردم نمیرساند که اهالی از خسارت محفوظ شده اند آنها گرفتار آن خسارت هستند اینست که این دوسابقه است و در اینصورت بدولت فایده نرسیده است اگر نظر آقایان این است که بدولت فایده برسد و ملت هم آسایش پیدا کند دولت خودش میتواند بوضع اسهلی اداره بکند و الا بنا بزمایه گذاشته شود عرض میکنم داوطلب هم برای اینکار امروز نه یک نده نه صد هزار هاست زیرا که کاریکه خرجش کم و دخلش زیاد است همه کس حاضر است و بنده تقاضا میکنم که بیش از این در این خصوص مذاکره نشود زیرا که هر چه مذاکره شود کافر ماجرائی است .

حاج آقا

بنده هم هر وقتی از این امتیازات ببینم بعضی از نطقها میشود هیچ نمیتوانم بخود تسلیت بدهم و باور کنم که این نطقها ممکن است از روی حدیث باشد بواسطه اینکه غالباً بنده می بینم و وقتیکه یک ترتیبی راجع بمعاون یا امتیازات بافلاحت یا ترقی در هر چیزیکه وارد مجلس میشود اولین حرف این است که این را خود دولت اداره کند و حال آنکه همه ما هار وقتیکه به نشینیم ملاحظه بکنیم می بینیم که همه این مطالبی را که راجع بترقی و تجارت و فلاحت معادن اختیارات دیگر باشد نمیشود بگردن دولت گذاشت یک وقت هم باید یک چیز را برای افراد ملت گذاشت که او هم اقدام در یک تجارتی یا یک معدنی یا یک چیز دیگری کرده باشد والا اگر یک جائی را به بینیم که یک باب منفعتی است از افراد مملکت دریغ بدائیم و بگوئیم خود دولت این کار را اداره کند هیچوقت نه دولت نه افراد مملکت نمیتوانند داخل یک چیزی نافع بحال مملکت شوند این یک مطلب کلی بود که عرض کردم پس خوبست وقتی که ما میخواهیم داخل یک همچو چیز هائی بشویم ملاحظه کنیم به بینیم برای مردم اسباب رفاهیت است یا نیست اعم از اینکه آن کسانیکه شروع باین کار می کنند او هم یک نفعی برد یا نبرد بنده هیچ کفت که کسی که اقدام بیک کاری می کند حتماً هیچ نباید منفعت بکند سفیه نیست که این کار را بکنند البته بملاحظات یک منفعتی این کار را میکنند پس باید گفت که چرا او این منفعت را میبرد و هه اش را بدولت بدهم این یک جهت او حالا باینم در اصل این امتیاز من تصور میکنم که آقایان اگر خوب ملاحظه کرده باشند می بینند یک کسی دارای یک امتیازی است که در زمان استبداد باور کرده شده است و آن امتیازی که در زمان استبداد داده شده است یک طوری داده شده که بهتر از آن نمیشود در زمان مشروطه و حکومت کلی داده شود و این امتیاز بهترین دلیل است از برای این که بدانم که در زمان استبداد در دادن امتیازات بخارجه خیانت میکردند زیرا که با آن که میدانستند که ضرر دارد و میداده اند زیرا که میبینم که وقتیکه در مقام دادن امتیاز بداخله داده اند آنقدر دقت میکردند و میداده اند که میبینم تمام مخارج را بگردن امتیاز فرار داده اند

و تمام جهات عمومی را ملاحظه کرده اند پس این صاحب امتیاز يك امتیازی را در پنج سال پیش گرفته است که يك دو فقره تکالیف او بوده و چند فقره تکالیف دولت و هیچ گفته نشده که اگر دولت از تکالیف خودش مشخص نمود چه باید کرد و اگر این تخطی کرد چه باید کرد و اقامت اگر این را در يك محکمه در يك مجلس محاکمه بگذاریم میبینیم که بنده میتوانم بگویم وقتیکه او از تکالیف مقرر تخطی کرد این امتیاز باطل و لغو باشد و نه دولت اگر تخطی کرد چه میشود باید يك محاکمه بکنند و يك چیز بر هر دو قرار بدهند اما ایرادی که بر صاحب امتیاز داریم چیزی که بنده فهمیده ام فقط همین است که در مدت مقرر کاری که باید بکنند که در این هفت سال تخم نوغان را در خود داخله فراموش بکنند باندازه رفع حاجت داخله مملکت در این هفت سال هنوز نکرده و يك دو سال و نیم دیگر باقی است که میدانم در این يك سال و نیم نمیتواند تهیه بکنند این است که پنجسال دیگر حالا هم اضافه کنیم که مدت هفت سال باشد و اگر در بابت آن قرار داد صاحب امتیاز بگوید در مقابل این يك ماده که میگوید که تو نتوانسته عمل بکنی هشتاده فرار داد از مساعدت اینکه دولت تعهد کرده است راجح بيك نفر داخله تخلف شده چه باید کرد همه میدانم که این چهار سال دوره رولسیون این مملکت و دوره انقلاب بوده است و دولت هم نمیتوانسته است باین ترتیب جلو گیری بکند و خود صاحب امتیاز هم مأمور سرحد بوده و رفته بوده در سیر مأموریت خودش و این ترتیب در آن وقت که صحبت در اساس دولت يك مملکتی است طبیعی است که هیچ بعمل نمی آید و تکلیف ما لایطاق است بجهت اینکه کلیه این ترتیب فزاحت راجع باسایش مملکت است در ایام رولسون و اوقات انقلاب نمیشود اقدام کرد حالا مسئول محاکم از وجدان يك نامید آن محترم آری اسرار است صاحب امتیازی که اختیارات دارای چند ماده است و يك ماده اش را صاحب امتیاز تخلف کرده است و هشت ماده از طرف دولت تخلف شده آنکه از طرف دولت تخلف شده است او را کنار بگذاریم بگویم يك صاحب امتیاز است و يك ماده اش را تخلف کرده است و حال اینکه منابع هم انقلابات مملکتی بوده که نمیتوانسته است اقدام بکنند دیگر عدم مساعدت دولت هم از همین جهت بوده حالا بگویم که قاضی مساعدت در يك همچو مطلبی نداشته باشد در باب يك ماده که یکی از مواد این است که تخلف کرده است حالا در صورتیکه میخواهد جلب تخصص از خارج بکند و یا مدت همین دیگر وقت بخواهد ما آنکس که دارای این زراعت هستند منت منت بشوند که از همین تخم که در مملکت خودمان ایجاد میشود بگیرند و از خارج بگیرند و اگر خودمان هم میگویم تصور میکنم که احساسات خود را ملاحظه میکنم پس يك همچو چیزی را که بنده می بینم قطع نظر از تمام اینها میکنم و در باره این حیثیات ضحیت میگویم همان شهری را که آقای قائم مقام میگفت (دشن بخیره هر چه عاجز و مسکین)

رئیس - هر وقت شما مذاکره کرده کردید زحمت

بند را زیاد کرده ایم گمان میکنم که مذاکرات کافی باشد (مختصاً اظهار نمودند)

رئیس - معلوم میشود (کافی نیست)

آقا شیخ رضا - صحبتی که در کلیات این مسئله است راجع باینکه آیا این امتیاز داده شود یا نه یعنی امتیازی که سابقاً داده شده بوده است و بجهت تغلفی که شده است و این امتیاز باطل شده دوباره آن امتیاز باطل شده را مجلس تصویب میکند یا خیر صحبت در این باب است آقای مخبر گفتند که این امتیاز لازم است تصویب شود چرا بجهت اینکه سابقاً از این بابت بدلت خسارت زیادی وارد شده است و تخم نوغان بقیمت گران فروخته میشده است ولی بعضی از آقایان که اظهار کردند و در جلو گیری از خسارت و گرانی تخم نوغان که امتیازی به يك شخص از افراد ملت داده شود بلکه ممکن است خود دولت اینرا اداره کند که يك نفعتی عاید دولت خسارت و آن گرانی تخم نوغان بر طرف شود جواب اینرا بنده تشبیه که آقای مخبر بدهند ولی بعضی اظهار کردند آن تخلفی که باعث بطلان این امتیاز شده است در حقیقت تخلف نبوده است بجهت اینکه آن تخلف ناشی از انقلابی بوده است که در این شش سال یعنی يك مقداری از این شش سال هفتاد و پنج سال یعنی عمده محل استعمال این تخم نوغان در گیلانات است و همه آقایان در نظر دارند که در گیلانات انقلابات خیلی کمتر واقع شده است سه چهار ماهی بیشتر نبوده است و شخص صاحب امتیاز در ایام انقلاب با شخصی که باعث انقلاب بوده موافقت داشته و نه چنان بود که مال التجاره او را همین طوری صدمه بزنند و در موقع انقلاب آنچه لازم بود که از طرف دولت بایشان کمک داده شود داده میشد یعنی اهل حضرت محمد علی میرزا بایشان مساعدت داشتند...

رئیس - راجع بامتیاز مذاکره فرمائید (آنچه لازم بود است که بایشان داده شود داده میشد بنده این را هیچ نمیتوانم قبول کنم که آن انقلابات باعث این تخلفات شده است و آقای حاج آقا بازا اینچا چیزی گفتند گویا نظرم میآید گفته از این امتیاز يك رفاهیتی برای ملت شده است گویا آقای ناصر الاسلام صریحاً گفته که ما امروز هنوز يك رفاهیتی برای ملت فراهم نشده است بهر حال بنده نظرم میآید بطوریکه بعضی از آقایان اظهار کردند که اگر این امتیاز تصویب شود بيك شخص داده شود اگر این مسئله را خود دولت اداره بکند بهتر از این است که نفعت را يك شخص ببرد منتهی يك جزئی دولت راجع میشود البته وقتی که امر دائر شد بین آنکه منافعی بدولت عاید شود که مصرف آن خود ملت است طرفدار ملت یعنی نمایندگان باید طرفدار دولت بشود یعنی رجوع فواید بدولت بشود نه شخص.

شهبانی - بنده میخواهم خیلی مختصر عرض بکنم که منحصر کردن بخود دولت مناسبتر است و عرض میکنم که دولت معادن و باغات خودش و جنگل ها را اگر اداره بکند خیلی منافع کثیر دارد و اگر بيك نفر ایرانی فی الواقع وطن پرست خودش را نشان داده است امروز هم متکبراً منعمه حاضر بشود برای گرفتن يك امتیازی باید مجلس شورای ملی

با کمال مساعدت باو بدهد برای جلو گیری از يك خسارت خیلی بزرگی از ملت زیرا که بنده اطلاع دارم از يك موقع کاشان که يك تخم نوغانی آورده بودند و خیلی خوب بود و بيك شخص خریه ذینفع شد آن شخص باین واسطه تمام اراضی خودش را دوخت توت ابریشم شانند و بيكسال باین واسطه زراعتش فاسد شد و تمام زندگی او از میان رفت بعد از آنکه بنا شد بيك شخص ملزم بشود کاراته بکند و بيك تخم خوب بپردم بدهد تصور میکنم هیچ جای شبه نیست که اینکار رایبند فوریت انجام داد بعضی از آقایان اظهار داشتند که فلان تاجر پیدا میشود که امروز خیلی خیلی بهتر اینکار را اداره میکند و منافعی بدولت عاید میدارد این تاجر تا بحال کجا بوده که امروز پیدا شده است پس ما باید نظر بشخص نداشته باشیم و نظرمان نظری نوعی باشد که تمام افراد مردم پیش ما تساو باشند منتهی قدر بدانیم که این يك شخص است که پنجسال آمده است این امتیاز گرفته است و در این چند سال رولسیون و انقلابات پیش آمده که نتوانسته است این کار را اداره بکند و نباید بگوئیم که این امتیاز باطل است حالا فقط بيك تمدید مدتی میخواهد که این کار را کاملاً بتواند اداره بکند و فایده کاملی هم بدولت هم برساند و اگر این شخص هم از بيك نظری فایده ببرد نباید مامضایه بکنیم و لکن من از شخصی شنیدم که قریب بیست هزار تومان خرج کرده است و بيك مملکتی از خارج آورده است و مقدمات این کار را کاملاً بعمل آورده است که کار را صحیحاً اداره کند و امیدوارم بی مناقشه اینکار بزودی بگذرد

آقا میرزا احمد - بنده در اصل امتیاز عرضی ندارم ولی يك سؤال از آقای مخبر محترم دارم که میفرمایند این امتیاز مسلم بوده و پنجاه ساله داده شده حالا برای تجدید منت ولی بنده عرضم اینست که در مجلس سابق آنوقت بيكسال و نیم از اول امتیاز نگذشته بود اگر برای تجدید آمده بود در ظرف پنجسال و نیم خوب میتوانست عهده کند آن ماده هشتم را پس معلوم میشود که برای تصویب و تصدیق آمده بود مجلس و آن ردأ و قبولاً که برای نداده است پس معلوم میشود اصل امتیاز محتاج تصویب است و از اینجهت ما نمیتوانیم اصل این امتیاز را مسلم بدانیم و این را آقای مخبر جواب فرمایند که آمدنش بمجلس سابق برای چه بوده است

افتخار الواعظین - عرض کنم در مجلس سابق روزنامهچانی را که متعلق باین مذاکرات بود آوردند در کمیسیون و بدقت قرائت شد و بهیچ وجه در باب امتیاز و تجدید منت نیامده بود است بمجلس سابق صاحب امتیاز میخواسته است حق این معاینه را بیکطرف بگیرد بعضیها میگفتند که ازدهشاهی بالاتر نمیدهم بعد موکول شده است برای مجلس که هر قدر مجلس رای بدهد همانقدر حق المعاینه گرفته شود مجلس هم ازده شاهی زیاد تر تصدیق نکرده است و وقتیکه شروع شده است برای گرفتن شاهزاده اسدالله میرزا که آنوقت نماینده بوده است ایراد میکنند که مدت گرفتن این حق المعاینه چند سال خواهد بود که رای بهیچم آقای اختتام السلطنه رئیس مجلس بفرمایند بمانند برای جلسه دیگر که بیستم تا چند سال باید بگیرد غرض از اینست که در فصل پانزدهم مدت هفت سال معین شده بود و چون آقای ناصر -

الاسلام بعضی فرمایشات فرمودند بنده ناچارم عرض کنم مأخذ اطلاعات بنده این است که همه اش در گیلان بوده است و بواسطه اطلاعاتی که از گیلان تحصیل کرده ام عرض میکنم صاحب امتیاز در کمیسیون اظهار داشتند بعضی راپورت های آن معلم را که آورده بودند که سه سال در آنجا بوده است و آلات و ادوات این کار را حاضر کرده بوده است آن معلم در راپورت خودش میگوید که ما از برای فراهم آوردن تخم نوغان در فلانجا تلبار ساخته ایم و تخم نوغان هم عمل آوردیم و به بعضیها هم دادیم و آنها هم نوغان عمل آوردند و معیار بهتر بودن آنرا هم معین کردند و آنجا آن معلم گفته است که در زمان انقلاب آن تلباری که برای ساختن تخم نوغان ساخته بودیم سوزانند و آتش زدند اطلاعات بنده تمام راجع باطلاعات حاصله از گیلان و توقف در گیلان نبوده است و در کمیسیون بعضی از آقایان هم حاضر بودند و بنده عرض کردم که این کار که مشکل است یکی اینکه دولت خودش میخواهد حق المعاینه فرار بدهد و بگیرد این برای دولت خیلی آسان است که بیک نفر مأمور را اجیر کند بیاورد در گمرک بنشانند که او معاینه کند این بازنده شاهی را بگیرد ولی این امتیاز راجع باین مسئله تنها نیست راجع بدو مسئله است یکی معامله کردن تخم نوغانهایی که وارد میشود یکی هم فراهم کردن تخم نوغان باندازه حاجت مملکت معلوم است که دولت خودش نمیتواند برود آنجا و وسائلی فراهم بیاورد و در گیلان تخم نوغان بعمل بیاورد و بفروشد بیه اگر حق این معامله تنها بود دولت اداره میکرد و علت اینکه وزرای عظام اینرا پیشنهاد کنند بمجلس اینست که نظرشانهم بحق المعاینه است هم به تهیه تخم نوغان و هم تهیه کردن تخم نوغان از وظیفه دولت خارج است این امتیاز را دولت داده است که حق المعاینه بگیرد و هم اگر بيك فایده از این بابت عاید اومیشود در عوض تخم نوغان بعمل بیاورد که سالی مبالغی پول مملکت بخارج برود و آن پول در داخله مملکت بماند

رئیس - گمان میکنم مذاکرات کافی باشد (اظهار داشتند کافی است)

رئیس - بیست فقره نطق شده است آقایانیکه تصویب میکنند که داخل در شور مواد شوم قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد راجع بمستخدمین امریکائی (راپورت کمیسیون قوانین مالبه بعبارت ذیل قرائت شد) پیشنهاد دولت راجع باستخدام ده نفر مستخدم امریکائی برای مالبه مطابق مواد ذیل تقدیم میشود .

ماده (۱) وزارت مالبه مجاز است ده نفر معاونین مالبه امریکائی استخدام نماید .

ماده (۲) شرایط عمومی کسراتهای ده نفر مستخدم امریکائی مذکور مطابق شرایط عمومی مستخدمین امریکائی که تا بحال استخدام شده اند خواهد بود .

ماده ۳ - مبلغ بیست و چهار هزار و سیصد دلار - فوق سالیانه ده نفر مستخدم مذکور از بابت شصت هزار تومان امتیازیکه مطابق ماده هفت

قانون ۲۳ - جوزا بفرانه دار کل داده است تصویب می شود .

رئیس مذاکرات در کلیات است مخالفی هست **حاج شیخ اسدالله** - چون این لایحه طبع نشده به بنده که داده نشده اگر بدیگران داده اند نمایانم از اینجهت میخواستم بدانم این تقاضا از طرف کی شده است از طرف وزارت مالبه و هیئت وزراء شده است یا از طرف خود مجلس است چون بنده این راپورت را ندادم سؤال میکنم که از طرف کی پیشنهاد شده است .

رئیس - از طرف رئیس الوزراء تقاضا شده است .

حاج شیخعلی خراسانی - این لایحه نیست که طبع و توزیع شود ما بيك اعتباری داریم که بجهت مستخدمین که برای مالبه لازم است استخدام کنند شرایط هم همان شرایط سابق است که اگر خدمت شما هست مطالعه خواهید فرمود و از همان اعتباریکه داده ایم حالا این ده نفر دیگر از همان ۶۰ هزار تومان استخدام بکنیم و پیشنهاد کرده اند والا جز قائمه نیست

رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟ گفتند کافی است .

رئیس - آقایانی که تصویب میکنند که داخل در شور مواد شوم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول .

ماده ۱ - وزارت مالبه مجاز است ده نفر معاونین مالبه امریکائی استخدام نماید .

رئیس - سابقه این قبیل مطالب بکشور بوده است مخالفی هست ؟

حاج شیخعلی - لفظ معاونین تبدیل به مستخدمین شود .

بهجت - بنده هم میخواستم همین راعرض کنم گویا اینها بجهت اداره های مالبه که بعد از این تأسیس خواهند شد خواهند بود و از کلمه معاونین مالبه چنین متبادر است که معاون وزارت مالبه هستند باینجهت بنده هم تقاضا میکنم که مستخدمین بجای معاونین نوشته شود .

معزز الملک - بنده قبول می کنم این ترجمه فرانسه بوده است معاونین نوشته شده است مستخدمین نوشته شود .

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ رای گرفته میشود در ماده اول آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) - رئیس تصویب شد ماده دوم .

ماده ۲ - شرایط عمومی کسراتهای ده نفر مستخدم امریکائی مذکور مطابق شرایط عمومی مستخدمین امریکائی که تا بحال استخدام شده اند خواهند بود .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) رای می گیریم آقایانی که ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۳

ماده ۳ - مبلغ ۲۴ هزار و نهصد دلار حقوق سالیانه ده نفر مستخدم مذکور از بابت شصت هزار

تومان اعتباری که مطابق ماده ۷ قانون ۲۳ جوزا بفرانه دار کل داده شده است تصویب میشود .

لواءالدوله - اگر چه این مطلبی که من میخواستم عرض کنم آقایان خواهند فرمود که این چیزی است که سیصد مرتبه آنرا شنیده ایم معذالک عرض میکنم اینجا مینویسد ۲۴ هزار دلار بنده مکرر عرض کرده ام بیول خودمان بنویسند بنده نمی دانم دلار چقدر است بعلاوه هیچ نقطه از نقاط مملکت غیر از الفاظ خودشانرا مصطلح نمی کنند و بنده باین لایحه مخالفت ندارم چنانچه با آن مسئله تخم نوغان هم مخالفت نداشتم فقط همین مسئله را خواستم عرض کنم .

معزز الملک - محض اطلاع خاطر آقای لواءالدوله عرض می کنم امروز بيك تومان و چیزی بالا است و اینکه می گوید که دلار را در اینجا شاید بعضیها بدانند چقدر است ممکن است در آمریکا هم که این اشخاص را استخدام میکنند آنها هم ندانند تومان چقدر است و این مسئله آنقدر اهمیت نداشت اگر میرود بنده پیش خزانه دار کل شاید مخالفتی نمیکرد در اینکه دلار را تبدیل به تومان نماید ولی این اهمیت آنقدرها ندارد .

رئیس - آقایانی که اجازه خواسته اند ظاهر برای دلار است دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - رای می گیریم باده دوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد مذاکره در کلیات است مخالفی هست ؟

لواءالدوله - بنده در خصوص مستخدمین امریکائی هیچوقت مخالفت نکرده ام و در مجلس هم حرارت بخرج نمی دهم خوب است از برای تخم نوغان هم بيك مستخدمینی بیاوریم که تخم نوغان بکارند حالا بکار بمانند ما در خصوص امریکائیه که ما آنها را خواسته ایم احساسات ما نسبت بآنها معلوم است درباره این ده نفر هم گمان نمیکنم مخالفی باشد معلوم است خزانه دار کل خودش دانسته است که اینها را خواسته است در این صورت که دولت این تصویب میکند استخدام آنها را خوب است آنها را بیول ایران مستخدم بکنیم .

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد)

(رای می گیریم بکلیه این لایحه که مشتمل بر سه ماده است آقایانیکه تصویب میکنند ورقه کبود در این موقع شروع باخذ اوراق رای شده آقای حاج میرزا رضاخان باین عده احصاء نموده ورقه سفید ۶۴ بلاسم بيك .

رئیس - با کسرت شصت و چهار رای تصویب شد عیالاً بيك ربع تنفس است .

(مجدداً بعد از بيك ربع تنفس جلسه تشکیل شد)

رئیس - راپورت کمیسیون عرایش و مرخصی خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

کمیسیون عرایش و مرخصی در تحت ریاست آقای نیر سلطان در اوقات مقرر تشکیل شد چند فقره عرایش تکراری و کثیری از نقاط مختلفه مملکت بمجلس شورای ملی رسیده بود منتهی بر اینکه نظر بحالت کنونی ایران که آثار لزجاج بکلی از میان برطرف نشده وجود مجلس از اهم قرائش مسائل اساس مملکتی است و انتظارات آبه هم ممکن است

بطول انجامد لهذا استعاضای است که مجلس شورای ملی را متوجه نموده مسئله را موکول برای مجلس نماید .

رئیس - اسامی ولایات و نقاطیکه تلگرافات و عرایض از آنها رسیده است قرائت میشود و از بعضی جاها هم که تلگرافات رسیده است در ضمن آن انجمن ها نوشته اند بانجمن و این تقاضا را کرده اند پس در واقع این تلگرافات تقاضای انجمن ها است و هم تقاضای اهالی است که رفته اند از انجمن کرده اند حال مسئله که مطرح است ابقای مجلس است (بعضی اظهار داشتند که لازم است بعضی از آقایان تلگرافات خوانده شود و به ترتیب ذیل قرائت شد)

از ق م - بتوسط مجلس مقدس شهادت ارگانه مقام منبع ریاست سلطنت عظمی هیئت وزرای عظام جماعتی از احرار شرحی بانجمن نوشته که عیناً آنرا درج نموده ذیلا امضاء کنندگان ذیل در انجمن محترم ولایتی حاضر شده و تقاضای منتهایم که نظر بانقلابات موجوده سلطنت در رسیدن موقع انفصال مجلس مقدس شورای ملی که شاید این انفصال مدت مدید بطول انجامد و نبودن پارلمان اسباب بعضی مخاطرات برای مملکت شود از انجمن محترم تلگرافی بمجلس و هیئت وزراء و نیابت سلطنت عظمی مغایره شود که نمایندگان حاضر را بوکالت شناخته و مجلس باقی و برقرار باشد تا زمانیکه اگر از نصف کلای پارلمان آتی در ریاست حاضر شوند و ضمناً از آن مقامات رفیعه تعجیل در امر انتخابات نیز استعاضا شومند مقیده انجمن هم مطابق بافکار قانونی این احرار است (انجمن ولایتی ق م)

از تیریز - خدمت حضرات مبعوثین محترم آذربایجان دامت تأییداتهم نظر باینکه دوره تقنینیه مجلس مقدس شورای ملی ختم یافته و تصورات آمیود که این انفصال قانون منجر بانفصال مجلس مقدس شود تلگرافاً پیشهاد بقامات عالی نموده و این تلگراف راهم بر عرض حضور حضرت عالی برسانم البته از وضع حاضر این مملکت و صدمات وارده دولت و ملت خاطر مبارک کاملاً آگاه است که در این موقع جوش و خروش ارتجاعیون انفصال مجلس مقدس تا چه اندازه مضر و باعث یأس قلوب مشروطه خواهان خواهد شد خصوصاً در صورتیکه هنوز قانون انتخابات بانجام نرسیده و از تصویب مجلس مقدس نگذشته است فرضاً گذشته باشد در ولایات انتشار نیافته است تا اهالی از کیفیت مواد آن مسوق شوند انفصال مجلس مقدس چه صورتی و چه نتیجه خواهد داشت ولی چنانکه عرض و درخواست تمدید مجلس مقدس شده و امیدواریم بدووقع قبول برسد حضرت عالی هم کماکان از طرف اهالی آذربایجان با حضور نصف بیشتر از نمایندگان ایالات و ولایات در وکالت مجلس مستقر و با اجرای وظایف وکالت مراقبت خواهند فرمود و با مرده تمدید مجلس مقدس بر امیدواری موکلین خواهد افزود (عوم اهالی تیریز) از تیریز - مقام منبع ریاست سلطنت عظمی و کیه ساحت مجلس مقدس شورای ملی و هیئت جلیله بامعنیه وزراء دامت بر کتیم طهران بر انظار دقیق حقیقت بین اولیای دولت و انمای ملت واضح است بحکم امروز که از هر طرف مرتجعین در کار و عناصر استبداد بر بلاه بدمه اساس آزادی ملت قیام کرده و اطعمه در حیات سیاسی

مملکت میزنند و از هیچگونه آسایش فریگذار نمی نمایند در چنین موقع تصور فرمایند انفصال مجلس مقدس شورای ملی بواسطه انقضای مدت قانونی تا چه اندازه مؤید شمای و تثبیت خائنانه آنها نبوده و قلوب حزب احرار و مشروطه خواهان مملکت را متزلزل و پریشان خواهد ساخت از مبادی نظر نگذارند احوال غالب نقاط را که هنوز سدی در جلو افواآت مفسرین کشیده شده و القآآت معاندین از خاطر هارزفته و توقع الاشامه این مسئله متضمن چه اثرات وخیمه خواهد بود که آیامجال تحییلی ساده آن باز اولیای دولت ممکن بشود بانه لهذا انجمن ایالتی بانهایت خیر اندیشی حل حال را ملاحظه و پیشهاد آن مقامات عالی مینماید که من باب مصلحت شش ماه بر مدت مجلس مقدس امتداد بدهند تا زیاد از نصف نمایندگان ایالات و ولایات حاضر بایتخت شوند شهادت از این پیشهاد هیچ مقصود در نظر خادمان نه بوده و جز این که از وضع اهالی استنباط میشود چنانچه این تمدید موقتی شود از هر جهت اسباب تاسیس فراهم خواهد آمد ملاحظه فرمایند کسانیکه در این شروع مقدس از بدایت امر و چند ماه قبل تا کنون جوانان خود را تقیه راه حریت نموده و متحمل این همه صدمات و لطمات جانی و مالی شده اند و در عین تضییق هستند و میروند که استفاده از این اساس مقدس بنمایند یک دفعه خبر انفصال مجلس مقدس چه اثر شوم بر آنها خواهد بخشید در این صورت با یک دلی پر امید انتظار بشارت تمدید مجلس مقدس شورای ملی را داریم ۳۶۰۶ انجمن ایالتی .

از مشهد بطهران - مقام منبع نیابت سلطنت عظمی و کیه مجلس مقدس نمایندگان خراسان هنر قریب مدت وکالت نمایندگان حالیه بحکم قانون منقضی از طرف دولت هم تا کنون دستور المللی نرسیده و مجلس مقدس که بزحمت و خسارات جانی و مالی دایر شده کعبه امپهوانی ملت است هر گاه تمطیل شود معایب خائنان سوز و عوآب وخیمه آن مبرهن لفا محض امیدواری ملت و جریان امور بحجری قانونی انجمن ایالتی تقاضا مینماید که موقه نمایندگان حالیه بر وکالت ابقاء بوظایف خود رفتار تا این که تجدید انتخاب کاملاً بعمل آید - انجمن ایالتی .

از سمنان بطهران - توسط نمایندگان ریاست مجلس مقدس شورای ملی مقام منبع نیابت سلطنت عظمی دامت عظمة برای انتخاب آتی خیال انفصال مجلس مسوع میشود با حالت حاضر مملکت و اوضاع پیش آمدهای ناگوار انفصال مجلس مقدس را ابداً ملت ایران جایز نمیداند عوم اهالی سمنان از آن مقام مقدس مستمعی هستند که قبل از انتخاب و ورود وکلای جدید بر مرکز مجلس منفصل نشود عوم اهالی سمنان .

از یایتخت - مقام منبع مبارک مجلس مقدس شورای ملی شیدانه ارگانه - البته خاطر مبارکشان مستحضر است که چند روزی بیشتر باختتام مجلس مقدس نموده و بطوریکه منتشر است قبل از حضور نصف بعلاوه یک نفر از وکلا خیال انفصال مجلس مقدس را دارند البته حال امروزه مملکت را کاملاً مسوق هستند که بچه اندازه کسب اهدیت نموده که از هر طرف سیل ارتجاع در حرکت و آزادی و استقلال مملکت را تهدید مینماید

و اسعله در دست مرتجعین باقی نماند مگر حفظ انفصال مجلس که او را بلباسهای مختلف باین عوام جلوه داده و بقصود خود نائل خواهند شد بطوریکه از والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دامت عظمة هیئت وزراء استعاضای شده است نیز عموماً از مجلس مقدس درخواست مینمائیم اولاً امر فرمایند که اعلان انتخابات هر چه زودتر منتشر شود تا نمایندگان مجلس مقدس منفصل نشود تا اینکه نصف و کلاه بعلاوه یک نفر انتخاب و در مرکز حاضر شوند .

رئیس - گویا پیش از این قرائت تلگراف و مکاتبات لازم نباشد برای اینکه مذاکره بطور صحیح بشود گمان میکنم بطور لوابیح قانونی صحبت شود بهتر است و البته در باب امتداد مجلس باید چیزی بنویسیم و برای بگیریم و گمان نمیکنم امروز بتوانیم در آن رای بگیریم پس امروز در اساس آن باصطلاح در کلیات آن مذاکره میکنیم .

رئیس - پس اساساً سر کار موافق هستید امروز مذاکره که میشود در اساس است باصطلاح در کلیات .

حاج آقا - بنده همچو تصور میکنم که از این عرایض که میکنم شاید بعضی جواب های خطابه بشنوم و در اول امر بعضی تعجب کنند ولی یقین دارم امروز این چیزیکه عرض میکنم برای اشخاص آتی مملکت یقیناً یک نده کرده است از حالات روحیه خود که در یک موقعی که نظر در پیاورند به بینند که در فلسفه مشروطیت پی برده و آرزو داشته صحبت کرده بنده بموجب قانون اساسی مدت انتخابات و کلاهی را همانطوریکه همه میدانند دوسال معین شده دوسال میدانم و از روزیکه معین شده اند و کلاه برای دو سال ملت آنها را وکیل کرده و اجازه داده است که مشغول نوشتن قانون باشند بعدد یک همچو موقعی که دوره تقنینیه تمام میشود بعضی تلگرافات که راجع بدوسه ایالات است خوانده میشود و از مضمون این تلگرافات چنین معلوم میشود که گویا قانون و شرایط مشروطیت را ندانسته اند که این تلگرافات را کرده اند یا از یک جهت دستور - العمل خارجی بود که این تلگرافات را کرده اند و بنده چون یقین دارم میدانم که مامدتها باید مشغول این باشیم که قوانین و ترتیبات مشروطیت را همه القاه و تلین و اعلام کنیم امروز عرض میکنم که این مطلب را بآنها تلقین نمودم یاد داد زیرا که آنها همچو تصور کرده اند یا آنها گفته شده که دوره تقنینیه مجلس که تمام شده بعد از دوره تقنینیه که وکلای جدید انتخاب میشوند اگر مجلس منفصل شود اساس آزادی و مشروطیت متزلزل شده و میشود حال آنکه هیچ نیست همه میدانند که در ممالک مشروطه عالم علاوه بر تعطیلات تابستانی که در خود دوره تقنینیه است یا در مشاخراتی که بین مجلس یا مجلس و دولت و امر بانفصال میشود ممکن است یک مدتی فاصله شود و همچنین در موقعی که مدت دوره تقنینیه تمام میشود و

انتخاب جدید بعمل میآید و این هیچ منافات باقوانین مشروطیت و اساس سلطنت ملی ندارد فقط چیزی که لازم است این است که یک کابینه که در مملکت طرف اطمینان مجلس شورای ملی است و در آخر دوره تقنینیه تشکیل شود آن کابینه مسئول امور مملکت باشد آن کابینه کابینه خودش باامورات مملکت رسیدگی بکند تا وقتیکه وکلای جدید بیایند و بنشینند و مسئول امور مملکت شوند و اگر ایرادی دارند بآن کابینه می کنند و آن اظهار اعتماد خودشانرا دور تم به بآن کابینه می کنند بنده مبینم امروز این تلگرافات بعضی هایش قبل از اعلان و اتمام قانون انتخابات شده بعضی های دیگر هم در موقعیکه خطرات ارتجاع دورما را گرفته بود و بجمادیه بجهت کابینه حریت پرور ما بوجهت اقدامات پختیارها و مجاهدین و افراد قشونی بجمادیه آن انقلابات را ازین بردیم حالا چیزی را که خیلی باید احتیاج بآن داشته باشیم و جزو یک کابینه است که طرف اعتماد مجلس شورای ملی باشد - آقای رئیس -

الوزراء در آخر دوره تقنینیه موقعی بمجلس شورای ملی کرد و آن کابینه مسئول مجلس شورای ملی باشد باآتی و افتتاح مجلس آتی بنده در این امر یاد بر این مطلب که کلیات مشروطیت بود نمیخواهم عرض کنم لکن بستمطلب دیگر بود لازم است عرض کنم که ما اگر فرض کنیم که بموجب این تلگرافات که تقاضا شده مجلس شورای ملی را امتداد بدیم آیا در این امتداد مجلس شورای ملی داخل وضع قوانین خواهد شد یا نخواهد شد اگر نخواهد شد حرفی ندارم اما اگر آنطوریکه امروزه هست پنجروز دیگر هم باشد و وضع قانون بکنند ممکن است خیلی از افراد ملت بگویند که این قانون رسمیت ندارد و ممکن است یک کسی رد کند که این قانون یک قانونی نیست که از طرف نمایندگان مجلس شورای ملی باشد و بطوریکه قانون اساسی قانون انتخاب دستور داده ما باید آنطور رفتار کنیم علاوه روح مشروطیت و معنی وکالت را میگوید که کسیکه میخواهد وضع قانون بکند در مدتی میتواند وضع قانون بکند که نمایندگی داشته باشد آیا بعد از انقضای مدت نماینده هیچ اینهم یک شوالی است که دلم میخواهد کسیکه بنده وارد میکنم جواب بگویم و از همه گذشته یک تکلیف هم بنده خودم دارم که در مدت انقضای وکالت خودم آنطوریکه انتخاب شده یعنی در بیست و دوم هفترب دیگر خودم را نماینده ملت نمیدانم و از این جهت تکلیف خودم را نماینده ملت نمیدانم که در مجلس شورای ملی حاضر نخواهم شد .

معین الرعایا - مجلس شورای ملی که تشکیل شده بواسطه انتخاب بوده که از طرف ملت شده و این همان ملت است که بواسطه این تلگرافات باقی بودن مجلس را لازم می دانم و در تلگرافات گفته اند لازم است مجلس باقی باشد دیگر بنده نمی خواهم عرض کنم و این همان ملتی است که در وقت انقلابات قانون اساسی را تغییر داده است و این همان ملتی است که شش سال قبل از این ایستاده و مشروطیت را گرفته اند این همان ملتی است که دو سال قبل ایستادند و امابحیرت سلطان احمد شاه

را بخت نشانیدند و سلطنت مستبده را به سلطنت مشروطه تبدیل کردند و این همان ملتی است که دو ماه قبل از این که از چهار طرف ایران دشمنان مملکت ایران از چهار طرف مشروطیت را احاطه کرده بود مردانه ایستادند و آن ها را از بیش برداشتند این که حاج آقا فرمودند که از این تلگرافات همچو معلوم میشود که از لوازم و شرایط مشروطیت خبر نداشته اند که این تلگرافات را کرده اند بنده برای اینکه خارج از نزاکت عرضی نکرده باشم عرض میکنم هیچ نمی توانم یک چنین ملتی نسبت داد که از لوازم مشروطیت خبر ندارند و بنده اعلان انفصال مجلس را باخطراتیکه حالا نمیخواهم این جا شرح بدهم توأمی دانم و بنده امتداد مجلس شورای ملی را باوقتی که نصف بعلاوه یک وکلای آتی برسند خیلی لازم می دانم و عقیده ام اینستکه انفصال مجلس شورای ملی خیلی خطرات عمده دارد

فرزانه - بنده مسئله تمدید مجلس را به دو نقطه نظر صلاح نمی دانم و مخالفم اولاً برای این که این مسئله در کمال وضوح بر خلاف اصل پنجم قانون اساسی است که می گوید و کلاه برای دوسال شمسی انتخاب میشوند و حالا بعد چند روز یعنی در ۲۳ هفترب دو سال باتمام خواهد رسید ثانیاً اینکه علاوه بر اینکه این مسئله برخلاف قانون اساسی است بنده تصور میکنم باینکه تلگرافی که از بعضی از ولایات آمده و امضای آنها معلوم نیست دلیل نباشد که امتداد مجلس شورای ملی لازم باشد و آنکهی این بنده در این موقع انفصال شورای ملی نهایت اطمینان خاطر دارم بجهت این که در موقع انفصال مملکت را بدست کسی می ساریم که فاتح مملکت بوده و در راه مشروطیت جان بازیها کرده و البته رئیس الوزرائی مثل آقای مصمص السلطنه بدیهی است که نهایت جد و جهد را خواهند داشت بانقضاء مجلس آتی و زرای با کدامن مثل وجود مبارک خودشان دخیل که مملکت را بحالت بهتری داشته تسلیم نمایندگان آتی مملکت بکنند .

کاشف - بنده اولاً خیلی لازم دانستم فرمایشات آقای فرزانه را راجع بامضای تلگرافات رد بکنم خصوصاً راجع بانجمن ایالتی خراسا که بنده کمال و توفق را آنها دارم و میدانم که آنها کلیه متزلزل هستند و ابداً صلاح نمیدانم که مجلس منفصل شود و فعلاً مکاتبی از طرف تمام اهالی رسیده است که متزلزل هستند ولی بعضی از آقایان از فلسفه مشروطیت و استغناء دوره قانونی مجلس مذاکره میکنند بنده از کسانی هستم که همه آقایان میدانند که پس از ورود بمجلس مقدس بواسطه اشکال اداء وظایف وکالت هیچ مایل نبودم بکرسی وکالت مستقر باشم چندی بعد اجازه خواستم و رفتم ولی چندی قبل که شنیدم ارتجاع شروع کرده است با این که در روسیه بودم وظیفه وجدانی خود دانستم که برگردم شاید از دست من کاری بر آید و این که میفرمایند ما مملکت را میساریم بدست رئیس الوزرائی مثل آقای مصمص السلطنه و ایشان امتحانات خودشان را همه قسم داده اند بنده تصدیق میکنم که در واقع خیلی قابل تعجب است که در این دوره اخیر و این کابینه خیلی فعالیت نشان داده و مکرر در

اینجا اظهار تشکر شد لکن یک چیزی است که بنده اوضاع را طور دیگری بینم بنده نظر بمصالح مملکت عرض میکنم و نظر بشخص ندارم و تملق شخص نمیگویم البته وقتیکه شخص آقای رئیس - الوزراء قبول این فدا کاری را نمودند همانطوری که گفته شد در آن موقع خیلی فداکاری کردند لکن امروز کار این مملکت رسیده است بجائی که همین شخصی که اینهمه خدمات را کرده است وضع مملکت طوری شده است که از تشکیل یک کابینه حاضر شده است بواسطه یک ترتیبی اگر آقایان میدانند وضع حالیه به چه ترتیب است از اطراف اطلاعات بایشان میرسد یقین دارم تلگرافاتی که میرسد همه مطالبه میکنند فریاد مردم بلند است نمیدانم ما ناله های آنها را میشنوم یا نه می شنوم ما هرساعت و هر دقیقه باید نظم و آسایش و ترتیب زندگانی اهالی این مملکت را که از اطراف آن ها وکیل هستیم از نظر دور نکنیم و یک ساعت رضی نباشیم که آنها باین حال باشند میدانم مدتی است بواسطه اختیاراتی که این کابینه محترم گرفته است اکثر از ماها هیچ اشکالی در امر دولت نکرده ایم بلکه اگر یک مسئله خیلی مهمی بوده است که وظیفه هر نماینده بوده بهیمن ملاحظه در ستوان و استبضاح تاخیر کرده ایم مثل آنکه خود بنده ستوان و استبضاح داشتم و جواب داده شده است و مدتی گذشته و ما هم درست نتوانسته ایم انجام وظایف خودمان را بکنیم حالا در اینصورت که میفرمایند مجلس منفصل بشود بنده هم همراه هستم با آن آقایان بواسطه این که خیلی خسته شدم بواسطه یش ترفیق کار و بواسطه آن خیالاتی که در بدو امر آن خیالات را داشتم و انجام نگرفتم و نمی خواهم یک ساعت در اینجا بمانم لکن فلسفه مشروطیت را که میفرمایند فلسفه مشروطیت حفظ امنیت و آسایش مردم است اول باید آزاد نظر گرفت وقتی که مملکت در حال انقلاب و تزلزل بوده فلسفه از بن برود اول باید آن امنیت را فراهم آورد در این دو سال ابداً امنیتی و راحتی بآنها نرسیده است و ابداً از آثار مشروطیت چیزی بآنها نرسیده تا بحال یک قدم پیش نیامده و بنده هم یک کلمه عرض میکنم و استعاضا میکنم از آقای رئیس الوزراء که اگر آقایان صلاح دانستند و رأی دادند بموجب این تلگرافات و عرایضی که آمده است یک قدری در اینصورت که مجلس بعد از دوره قانونی باقی خواهد بود بیشتر اعتماد بفرمایند در آخر اثبات که ما بتوانیم یک جوابی بگوئیم خودمان بدیم .

لواء الدوله - بنده متعجبم که آنجا مخالفت با قانون میشود و با آزادی ملت اینجا مینویسد که ملت انتخاب نمایندگان دو سال است که در اصل چهارم قانون اساسی مینویسد که اصل چهارم را که واگذار کردند بانجمن ایالتی آذربایجان و او نسخ کرده است و اجازه داد بمجلس یعنی رأی را واگذار کرد بمجلس و معین کرد که عده نمایندگان ایران ۱۲۰ نفر باشد از اینطرف مبینم که ۱۲۰ نفر معین کرده است و از طرف دیگر مبینم که ۱۳۶ نفر معین کردیم نمیدانم کدام را ملاحظه کنیم از یکطرف مبینم میگویند مجلس را دوام میدهد تا نصف وکلای آتی بایست از یکطرف میگویند که

و کلاه دو سال است یعنی قانون اساسی مینوسد باز در اصل انجمن مینوسد که ابتدای مجلس از روزی است که اینها کلیه وارد شوند بنده متعجبم که موافقت کنم یا مخالفت کنم اگر مستمسک نشویم باصل قانون اساسی ای که نسخ شده است قانون اساسی و ما مستمسک بآن نشویم و از یکطرف مبین همان را که نسخ کرده است که میگوید عده و کلاه ۱۲۰ نفر است ۱۳۶ نفر قرار میدهیم حقیقه بنده متعجبم که موافقت کنم یا مخالفت .

حاج شیخ الرئیس - چون جناب حاج آقا

فرمودند که اگر کسی از نمایندگان شبهه مرا رفع کند اظهار هتایت میفرماید بنده عرض میکنم خوبی منعمیم بزمانیکه ایشان است باید متوجه این نکته باشند که تمام قوانین و قواعد مؤسسه مقدسه آسمانی که از طریقه وحی و الهام و تنزیل ملائک و آن ترتیب است و قیاسه مصادف میشود با یک قانونی که آن قانون باید بجهت قانون آسمانی حاکم بر آن اولیه موضوعه و قوانین مشروعه است آن قوانین مشروعه را نمیشود بر قوانین سابقه رفتار کرد مگر ملتفت نیستند که ضرورت و ضرر حاکم بر کلیه قوانین مشروعه است و اگر میخواهند بزبان سیاسی عرض بکنم گاهی قانون حکم میکند که بر خلاف قانون حرکت شود نه بر خلاف قانون بلکه همان ضرر و ضرورتی است که به لسان شرع تعبیر میشود که آن ضرورت منتهی بحدیست که بنا بر این بنده تعجب میکنم که در یک موقعی که همه احساس میکنند بنده گمان میکنم که همچو بی حس در مجلس مقدس شورای ملی نیست مگر این که به حیثیت نگاه عامه جاهلان یا تمايلانه سخن بگویند امروز کسی نیست که انکار بکند که اگر بگوش مردمان دور بیکه بگوش کسانی هم که در سر گرفته اند که مجلس شورای ملی در یک جای منفصل شده است که معلوم هم نیست کی انتخاب بعمل بیاید و نصف بعلاوه یک حاضر شود در یک حالت خیلی منززل که عاقبت غیر معلوم دارد منفصل شده است منززل نشود حالا میآیند مارا قیاس می کنند بدول خارجه جورانه عرض می کنم که قیاس مع الفارق است غیر اگر مملکت ماملت سایر ممالک درهال معارف و حق شناس و در حقوق کلیه وظیفه خودشان آگاه نبوده بنده تجویز میکنم که و کلاه ۱۲۰ تانسان را هم بیلاق بیرون ولی همانطوری که گفتند با این وضعی که امور ما و شعور ما دارد و باحالت تنزل کابینه ما که دیگر نمیشود بنها داشت و چیزی است یعنی خلاف نزاکت است که می گویم حالت آقای رئیس الوزرا چه حالت است وجه میفرمایند و کلاه چه میفرمایند در همچو موقعی بگانه ملجاء و مرجع قانونی اهل مملکت صوماً مجلس شورای ملی است و هر کس تجویز بکند باینکه این مجلس شخصی شود گمان میکنم با قاصر است یا معسر.

متمین السلطنه - بنده عقیده ام اینست که برای

اینکه در این باب بتوان بطور آزادی مذاکره نمود بهتر است که مذاکرات بطور ملائمت ممکن است کسی عقیده اش این باشد که انفصال این مجلس امروز صلاحیت دارد و خودش را ناقص بداند و نه معسر.

رئیس - چندین مرتبه عرض کرده ام که آقایان نمایندگان هر چه می گویند از روی عقیده است ولی

نمی دانم که چطور میشود باز تندی می کنند بنده مطابق نظام نامه مجبور میشوم که جلسه یکی دوقهه اخطار بکنم و چندی است که اخطار نشده است

متمین السلطنه - جای این است که عموم

نمایندگان از این حسن مراقبتی که آقای رئیس میفرمایند تشکر کنند اگر در این موضوع بنا بود اول رأی گرفته شود که داخل در مذاکرات بشویم یا نه بنده عرض میکنم که هیچ داخل در مذاکرات نباید شد بجهت اینکه هر چیزی که در مجلس مقدس مذاکره میشود بالاخره پس از مذاکرات مغیر مآخذ رأی میشود و در این مسئله هم پس از این که امروز باشد یا فردا رأی خواهیم داد بر اینکه مجلس شورای ملی امتداد داشته باشد یا نداشته باشد ابقاء چنین رأی داده باشد گمان نمیکند که هیچ پارلمانی چنین رأی داده باشد و خودش را ابقاء کند این یک چیزی است که نظیر تاریخی ندارد ولی نظیر بشکلهای دیگر داریم و آن آنوقتی است که رئیس قوه مجریه و هیئت دولت صلاح میدانند مجلس باقی نباشد ملت اعلان می کنند تفکیک میکنند و بطریقه قانونی وارد میشوند و از ملت رأی میخواهند و نمایندگان باقی بمانند ولی نمایندگان نمیتوانند رأی بدهند که ما باید خودمان باشیم در اینجا چندین پدید میآید اول باید دانست که فرض موافق و مخالف هر دو یکی است و مقصود هر دو حفظ این اساس است اینک موافق است از یک نقطه نظر است آنکه مخالف است از یک نقطه نظر دیگر است و اغلب مضاب سیاسی همین طور است که طرف خطر ناک پدید میآید آن کسیکه میگوید منفصل شود تصور میکنند که این اساس با انفصال بهتر میشود یعنی مردم زودتر انتخابات را از روی رضا و رغبت میکنند آن یکی که میگوید منفصل نشود باز نظرش این است که اگر این مجلس باشد زودتر انتخابات بعمل خواهد آمد و این مجلس وقتی که باشد علاوه بر نظارت در امور مشوق لزوم میشود که زودتر انتخابات بعمل بیاید پس هر دو نظر از برای یک مقصودی است بنده خودم عقیده ام این است که اگر این مجلس منفصل شود انتخابات آتی بهر باشد حالا بر خلاف واقع شود غیر از اینست که در این عقیده خودم ثابت باشم و در این عقیده خیلی ثابت هستم ولی اگر اکثریت بر این باشد که مجلس ابقا باشد آنوقت مثلا فرمایش آقای حاج آقا را قبول نخواهم کرد که اگر اکثریت بر این شد که مجلس باشد ایشان نخواهند آمد بنده اینطور نخواهم کرد و شاید بیایم ولی اگر نباشد ابقاء بشود باید بطریقه قانونی شود نه اینکه اینجا بلند شویم رأی بدهیم که خودمان اینجا باشیم این طریقه قانونی نیست باید دید سایر ممالک چه کرده اند ما هم آن کار را بکنیم تکرافات از تمام نقاط ایران یک طریقه ابقای مجلس است اما در صورتیکه آن تکرافات عمومی باشد چنانچه ملاحظه فرمودند این تکرافات تمام از نقاط شمال است یک تکراف از حدود جنوب و مغرب و سایر نقاط نیست بنده نمیتوانم بگویم که میتوان این را اسم گذاشت که از طرف عموم ملت باشد یا حاکمی از افکار عامه باشد و هیچ نماینده این را نمیکوید باید نظر رئیس قوه مجریه و هیئت وزراء را دید اگر صلاحیت این کار را می دانند باید بعامه مردم اطلاع

بدهند این يك كاری نیست که ما خودمان بگوئیم به یا خیر این كاری است که اگر ادله و پراهمین صحیحی از برای آن باشد هیئت دولت باید بموم مردم بگوید و تکرافات بنام نقاط ایران بکنند در آن صورت و پس از اینکه تکرافات از تمام نقاط رسید ممکن است که تا يك مدتی در اینجا باشیم تا و کلاه جدید بیاید اعم از اینکه يك ماه یا دو ماه باشد پس عقیده بنده این است که از برای حفظ این اساس انفصال این مجلس فعلا صلاح است و عرض میکنم که اکثریت مجلس اگر ابقا را صلاح بداند و همچنین هیئت دولت اگر دولت باید لوازم قانونی او را همانطور بیکه عرض کردم فراهم بیاورند.

آقا شیخ رضای دهخوارقانی - صحبت

در این است که از نقاط مملکت تکرافات و عراضی رسیده است که این مجلس امتداد باید چنانچه آقای متمین السلطنه اظهار کردند باید بترتیب قانونی باشد بنده نظرم اینطور میآید که صحبتان در این نیست این مجلس را که عبارت از این هیئت مرکب باشد از این بهیم که امتداد باید با رأی نهمین امتداد نیاید چون آن ملتی که سابقاً این هیئت را انتخاب کرده بودند در این موقع باید لازم دانستند که امتداد یابند این بود که محضر والا حضرت اقدس و هیئت وزراء و مجلس تصویب کرده اند که این مجلس امتداد باید صحبت ما راجع است باینکه آیا لازم است قوه مقننه که هنوز هم از قوه مقننه جلاد نیتاده است در این تکرافات که ملت کرده است مذاکره کند البته باید مذاکره شود نه برای مانع این یکی یا نمایندگان آن یکی اهالی آن نقاط که تکراف کرده اند همه میدانند برای بودن اخگر از اجتماع است در زیر خاکستر این مقدار که ظاهر است و اینقدری هم که ظاهر نیست در زیر خاکستر است نمیتوان انکار کرد که از اجتماع نیست خیر همانطور که ظاهراً در بعضی نقاط دیده میشود باطناً هم هست و البته در موقعی که از اجتماع در یک مملکتی موجود است خود آن فردا يك قوه میتوانیم فرض کنیم در مقابل آن قوه مشروطه است و مرکز او عبارتست از مجلس شورای ملی اگر آن مرکز از میان برود آن طرف مقابل بیشتر میتواند ظرفیاب شود اینست که همان حضرات چون ملتفت باین نکته شده اند این است که چند ماه پیش که میخواستند مرعوب بکنند مشروطه خواهان را میگفتند مجلس از بین رفته است چون این مجلس از میان برود آنها بهتر می توانند غلبه پیدا کنند پس در این هیچ حرفی نیست که موقع موقع باریکی است اما اینکه ممکن است بعضی اشکالات در اقامه مجلس بشود بواسطه اینکه قانونیت ندارد بجهت اینکه بموجب قوانینی که مادر هر انتخاب داشته ایم و داریم آن اینست که بدلت اخطار و اعلان شود که آراء خودشان را ملت بپسند بدهند مخفیانه آن وقت هیئت نظار بخوانند و ببینند اکثریت باکی است این ترتیب که نیست حالا که این ترتیب نیست بیستم آیا باطل میشود که ملت میگویند که شما همانطور که وکیل بودید باز هم همانطور باشید تا و کلاه جدید بیاید میخواهم بدانم این صحیح است یا صحیح نیست بنده نظرم میآید که صحیح است و عیبی نداشته باشد بنده گمان میکنم عیبی که هست

بطور علنی شده است نه بطور مخفیانه قوانین گذشته ما و قوانین مانده آنطور نیست و لکن بنظر بنده این است که مخفی بودن و علانیت کردن راجع باخلاق مردم است ولی در موقع فوق العاده يك انتخاب فوق العاده ممکن است واقع شود چنانچه آقای حاج شیخ الرئیس بهتر از بنده این را بیان فرمودند در موقع فوق العاده میتوان آن چیزی را که از روی ملاحظه اخلاق مردم است مراعات نشده مخالفت از رفتار بشود ضرر ندارد بجهت اینکه اصلا در مشروطیت نظر بانتخاب ملت است هلنی مخفی بودن مناط در انتخاب نیست و آن مخفی بودن راجع باخلاق مردم است ولی در مواقع فوق العاده میتوانند که علناً انتخاب بکنند چنانچه انتخاب کردند و اشکال دیگری که بنظر میآید این است که آنها تیکه از نقاط مختلفه مملکت عراض و تکراف کردند جمع قلبی هستند و فلان و فلانجا هستند عرض میکنم این مملکت بطور تقسیم بچهار ایالت است تقسیم شده است آذربایجان و کرمان و خراسان و فارس همه میدانند نفوس آذربایجان و خراسان بیشتر از همه نقاط است آذربایجان و خراسان که دیدید عراض و تکرافات آنها را مائنه این ایالات این دو ایالات نفوساً از ایالات دیگر بزرگ ترند و شاید میتوان گفت که ایالت کرمان ربع یا خمس آذربایجان نشود اینکه فارس و طهران و سایر نقاط هم که در اینخصوص نوشته اند در واقع اگر ملاحظه فرمائید مبینند که اکثریت ملت این امتداد را خواسته اند و این انتخاب هلنی را کرده اند پس از ملاحظه روح مشروطیت این ابقائیکه خواسته اند و این انتخابیکه کرده اند صحیح است و اشکالی نیست و آنچه آقای فرزانه فرمودند که امضا های آنها معلوم نیست که امضا کیست یا آنکه امضاء نکرده اند ممکن است که الان از آذربایجان و خراسان بخواهیم تا امضاء هر يك يك يك برسند آن وقت غیر مستبدین همه حاضر بشوند و بگویند همه امضاء بکنند که مجلس باقی ماند گذشته از این بعضی نقاطیکه هنوز خبری از آنها نیست بعضی از آقایان متوجه اند که مثلاً در استان تکراف نکرده اند اما در آن هم نکرده اند بنده امیدوارم که اگر برای اینکه هنوز حالشان اصلاح نشده است اگر آن ها يك قی الجمله اصلاحی بجالشان شده بود محققاً تمام آزادی خواهان آن طوریکه باید تکراف بکنند میکردند ولی متأسفانه آنطوری که باید اصلاح بشود نشده است و هنوز آنها را در حال خوف و خطر هستند و نمی توانند شاید اگر این تکرافات و عراض را آنها هم میدیدند با این حالت حالبه باز تکرافات بکنند پس این اشکالات که کردند بنظر بنده درست نمی آید پس تمديد مجلس از این نقطه نظری که عرض کردم انتخابات اهالی ولایات باشد این يك جهت که عرض کردم برای لزوم مجلس گواه دیگر هم هست که بخود مجلس حق داده شده است بجهت اینکه آن ماده قانون اساسی که تغییر دادند و از این رو مجلس اختیار دارد هر وقت لازم دانست تمديد بکند آن مدتی را که خود قوه مقننه فرار داده است همان قوه مقننه از میان برفته است و همان قوه مقننه می تواند تمديد کند بجهت تاریکی موقع و لزوم این دو جهت بنظر بنده مستلزم تمديد است دیگر بیش از این لازم نمی دانم عرض کنم و در آخر

عرضم عرض میکنم کابینه هم منززل نیست چند تا وزیرش کم است و یکی هم نظرم رفته بود عرض کنم و این را هم لازم دیدم عرض کنم یکی هم تمديد مجلس بحسب این دلیلی که عرض کردم راجع بمجلس است و همه می دانند که از طرف ملت است که دیگر هیچ کسی راجع نیست نه بر رئیس کل مملکت است که شاه باشد یا نایب السلطنه نه بکسی دیگر مجلس نماینده کل ملت است ملت می تواند آن ها را ابقا کند دیگر راجع بغير ایشان بهیچ وجه بکسی دیگر راجع نیست

حاج شیخ اسدالله - بله اگر چه این مطلب جای هیچ انگاز نیست که انحلال مجلس شورای ملی خیلی باوضع حالبه شاید احتمال بعضی اشکالات که در آتی پیش آمد برای مملکت باشد این را نمی توان منکر شد اما می خواهیم به بیستم که مجلس یعنی چه آن وقت این تکرافات این مجلس می تواند مجلس باشد یا نه مجلس شورای ملی عبارت است از اجتماع يك عده نمایندگان که از ایالات و تمام ولایات مملکت انتخاب میشوند از برای يك مدت معینی که در آن قانون انتخابات نوشته شده است مثلاً در آن قانون انتخابات که همین مجلس شورای ملی بموجب آن قانون منتخب و معین شد تعیین کرده است دوره انتخابات و کلاه دو سال تمام است اما دیگر قانون اساسی و نظامنامه انتخابات بکلی ساکت است از این مطلب که اگر يك همچو موقعی پیش آید می توانند امتداد بدهند یا نه بعد از اینکه معین شد و معلوم شد که مجلس عبارت از این عده نمایندگان هستند که باین ترتیب معین شده اند برای دو سال معین مقتضای قانون اینست که در آخر دوره دیگر از انتخابات منفصل تمام میشود بعد اهالی آذربایجان و خراسان و اطراف دیگر که این تکرافات را کرده اند حساب آنها معلوم است اما حسابات يك آذربایجان تمام این نمایندگان را نمایند میکنند خیر بنده عقیده ندارم اینطور باشد با وجود اینکه انحلال مجلس شورای ملی را خیلی مشکل و بد میدانم باین معنی که در انحلال مجلس خیلی خطرات پیش خواهد آمد ولی آیا احساسات آذربایجان و خراسان و اطراف آنها احساسات آنها با نصف مملکت و کلاه را می تواند وکالت بدهد که مجلس شورای ملی رسمیت داشته باشد بنده چنین تصور نمیکند که اینطور باشد مثلاً اهالی آذربایجان که تکراف کرده اند نمایندگان آنها بستم نمایندگی ممکن است که در مجلس باشند همچنین سایر جاهای دیگر که تکراف کرده اند خراسان معلوم شده است نمایندگان خود آن محل وکیل هستند بهمان ترتیبی که نوشته اند تا وقتیکه نصف بعلاوه يك حاضر شود اما سایرین بتکراف آذربایجان میتوانند خودشان را نمایند بدانند بنده یا جمعی دیگر از طرف آذربایجان و خراسان که نماینده نیستیم اگر چه فرق نمیکند نماینده تمام ملت هستند این صحیح است اما نه اینکه اهالی خراسان رأی بدهند بنده باز نماینده باشم این صحیح نیست نمایندگان خراسان حق دارند نماینده باشند یا موقتاً یا غیر موقت تا اینکه نصف بعلاوه يك حاضر شوند ولی اینطور نیست که آذربایجان و با خراسان که نماینده نیستیم اگر چه فرق نمیکند نماینده تمام ملت هستند

این صحیح است اما نه اینکه اهالی خراسان رأی بدهند باز نماینده باشم این صحیح نیست نمایندگان خراسان حق دارند نماینده باشند یا موقتاً یا غیر موقت تا اینکه نصف بعلاوه يك حاضر شوند ولی اینطور نیست که آذربایجان یا خراسان یا نصف مملکت یا دولت مملکت تمام نمایندگان مجلس را بتوانند نمایند بکنند بنده ممکن است در صورتی که هیئت دولت نظریاتش موافق باشد و هیئت مجلس هم موافق باشد مثل اینکه عقیده خودم اینست که انفصال مجلس خیلی بد است و انحلال و انفصال مجلس خیلی مضر است در همچو موقعی ولی این عقیده بنده را وکیل نمیکند که رأی بدهم مجلس باشد و این رأی بنده را وکیل نمیکند بعد از اینکه موافق باشد نظریات هیئت دولت با احساسات سایر اهالی مملکت که باید مجلس باقی باشد هیئت دولت استنراج بکنند از سایر ولایاتی که تکراف نیامده است بیستم عقیده آنها چیست اگر تمام مملکت متفق شده اند آنکه نصف یا دو نك آنها اتفاق کردند که مجلس باقی باشد میتوان مجلس را امتداد داد اما باین تکرافات معینی که از چهار محل یاد مصل آمده است باین تکرافات نمیتوان مجلس را امتداد داد

رئیس - بنده می بینم اغلب از آقایان خسته شده اند و عده کافی هم برای مذاکرات نیست اگر مخالفی نباشد باقی مذاکرات بماند برای فردا و پس فردا چون روز دوشنبه هم جلسه خواهیم داشت (اظهار شد به همین ترتیبی که اجازه خواسته شده)

رئیس - اجازه امروز برای فردا ممکن نیست اعلان میشود هر کس که میخواهد اسم خودش را بنویسد دستور مجلس فردا مذاکرات راجع بامتداد مدت مجلس - راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع به قانون شرکتها - راجع بقانون منع احتکار راپورت فوائد عامه راجع بر اهواز هم - فقره راپورت کمیسیون بودجه راجع باریاب لطف الله و ابتهاج السلطنه و حسام هدیون .

حاج سید ابراهیم - بنده مخالفم با راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بر اهواز بجهت اینکه دو روز دیگر یا بیشتر رسمیت نداریم اگر بنا شود آنها جزء دستور بیاید کارهای مهم میماند گمان میکنم باید اینچور مطالب در دستور نباشد .

رئیس - رأی میگیریم که راپورت فوائد عامه راجع بر اهواز جزء دستور باشد یا نباشد آقایانی که تصویب میکنند جزء دستور باشد قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد .

ناصر الاسلام - راپورتی از کمیسیون بودجه بمجلس رسیده است چنانچه سابقاً هم مجری کمیسیون دستور العمل دادند راجع بآن عده که از طرف دولت جزئی حقوقی در باره شان منظور شده است جزء دستور بگذارند و راپورت آن هم آمده است او را هم جزء دستور بگذارند بیک رأی از مجلس بگذرد .

رئیس - برای روز دوشنبه جزء دستور میشود (مجلس تقریباً دوساعت از شش گذشته ختم شد)

جلسه ۳۴۱
صورت مشروح مجلس روزیکشنبه
بیستم شهری ذیحجه ۱۳۲۹

رئیس (آقای مؤمن الملک) سه ساعت و ربع قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس نمود ویس از یک ربع جلسه را رسماً منتهی فرمودند آقا میرزا رضا خان نائیبی صورت جلسه قبل را قرائت نمود (اسامی غائبین جلسه قبل به ترتیب ذیل قرائت شد)

مرضی - آقا سید محمد باقر ادیب - آقا بابانیکه از وقت مقرر تغلف کردند آقای مرتضی قلیخان دو ساعت آقای طباطبائی و آقای قمی یکساعت و چهارده دقیقه معتمدان تجاری در دقیقه - حاج وکیل الرعایا یکساعت معتمدان دوله - افتخار الهاعظمتین - نیرالسلطان حاج شیخ اسدالله سه دقیقه .

رئیس - در صورت مجلس مخالفی هست ؟
حاج آقا - بنده در دو جای صورت مجلس عرض دارم یکی راجع بود بر ابورث که سیوسون قوائمه عامه که نوشته شده در دست زبیرا باید نوشته شود تصویب نشد زیرا که همارای که میگیریم باید رد قبول هر دو طرف معلوم باشد چون اکثریت مجلس بقیام وقوم معلوم نمیشود پس باید نوشته شود تصویب نشد یکی هم راجع باظهار آقای رئیس الوزراء که آقای رئیس الوزراء فرمودند که عقیده من این است که تا وقتی که کابینه تشکیل نشده مجلس باقی باشد کابینه را که تشکیل کردند بیاروند به مجلس عقیده خودشانرا بگویند و اینجا نوشته است که رئیس الوزراء عقیده شان این بود که مجلس باقی باشد .

رئیس - در قسمت اول چیزی که فرمودید صحیح نیست فلان مسئله تصویب نشد باید شددر نظامنامه ندارد در نظامنامه فید شده است که وقتی که مجلس تصویب نکرد که در یک مطلبی مذاکره شود آن مطلب زد شده تصویب است و رئیس اعلان میکند که آن لایحه رد شده است اما مسئله ثانوی اصلاح میشود .

حاج شیخ اسدالله - اینجا نوشته شده است

بنده مخالف با امتداد مجلس هستم در صورتیکه بند مخالف با امتداد مجلس نبودم بنده عرض کردم با استنادیکه فعلاً در دست است نمیتوانیم مجلس را امتداد بدهیم مگر اینکه ترتیب امتداد را بتوانیم بطرز قانونی بدست بیاریم و الا در خود امتداد بنده مخالف بودم .

رئیس - همین مخالفت بود دیگر در صورت مجلس ملاحظاتی نیست (آهاری شد) صورت مجلس تصویب شد مذاکرات راجع با باقی مجلس است آقای حاج آقا مخالفید بفرمائید .

حاج آقا - چون بنده مصمم هستم که بعد از اینکه این عرایض خود را عرض کرده دیگر عرضی نکنم در این باب این آخرین نطقی است که در باب عدم امتداد مجلس خواهم کرد از این جهت خواهش میکنم که آقایان در دست ملتفت باشند که اگر جوابی میدهند راجع با شکالات بنده باشد که شاید بنده هم هم عقیده بشوم یا آنها که میگویند باین ترتیب باید مجلس امتداد یابد ولی متذکر میکنم آقایان را که در روز بنده خود عرض سکرم در اول وهله که

شاید عرایض بنده در بدو نظری که تدری عجب بیاید و شاید خطایات در جواب من گفته شود همین طور هم شد ولی باز مکرراً خواهش میکنم که همانطوری که اشکالات را عرض میکنم همانطور یکی یکی را یادداشت نموده جواب بدهند و قبلاً هم لازم میدانم در خارج سوء تفسیری شده عرایض در روز بنده و مغرضین معانی برای عرایض بنده ذکر کرده اند در این مقام رسمی عرض میکنم که لازم نیست که در مشروطه خواهی و آزادیخواهی خود چیزی عرض کنم و گمان نمیکند که هیچکس باشد ولو از بزرگترین سردار های مشروطیت باشد بتواند ادعا کند که بیشتر از بنده در راه مشروطیت و آزادی فدا کاری کرده بجهت اینکه بالا ترین اقدامات و فداکاریها این است که انسان آنچه بیکه اعز و اولاد اشباه است پیش او در این راه خدا کند و اعز اشباه جان است و بنده هم چندین مرتبه در اقبالی این اساس کسانیکه بنده را می شناسند میدانند که بجان خود واقعی نگذاشته ام پس خواهش میکنم که آقایان درست گوش بدهند و جواب بنده را همانطوریکه عرض می کنم بفرمائید و سوء تفسیری هم در خارج نکنند بنده عرض میکنم اساس مشروطیت و حقیقت سلطنت ملی یعنی مداخله ملت در امور مملکت خودشان و اختیار داشتن ملت در اینکه خودش در ترتیب زندگانی و اقتصادی مملکت خودش مداخله بکند و اختیار خودش بدست خودش باشد و این مسئله باین است که ملت یک جاهی را از طرف خودش انتخاب میکند برای یک مدت معین و این و کلاه که از طرف ملت منتخبند مشغول میشوند بجهت اداره کردن مملکت و آن چیزهاییکه لازم حفظ انتظام هیئت اجتماعیه ملت است قانون نویسی کنند و بدست جماعتی بعنوان وزیرا برای اجراء بیاورند و آنها را مسئول اجراء آن قوانین بدانند بنابر این چون و کلاه از طرف خود ملت منتخب است لهذا ملت خودش اداره کردن امور خودش را و با رضا و رغبت آن قوانین را که از طرف و کلاه وضع میشود بپذیرد و قبول داشته باشد زیرا که خودش انتخاب کرده آنگو ملت و کلاهی خودش را برای دوسال انتخاب کرد و در آن مدت اختیار خودش را بدست آنها داد و در این مدت و کلاه در مجلس مشغول وضع قوانین بوده اند و امروزه زمان آنها سر آمده و بنده چنانچه بارها عرض کرده ام ملت مشغول تجربیات است و در صراط تجربه سیر میکند پس می بیند در این مدت قوانینی را که و کلاهی او وضع کرده اند موافق میل اوست یا خیر اگر موافق میل و صلاح عواقب او بوده همین ها را انتخاب میکند و اگر دید که خیر موافق عقیده و صلاح او وضع نشد دیگری را انتخاب میکند که آنها مملکت را اداره بکنند و بعد او وضع قانون کنند حالا که ملت و کالت و آن حدودیکه معین شده بود برای آنها سر آمدن ایماحق دارند داخل اداره کردن امور مملکت شوند بنده داخل فلسفه این میشود که بیستم تعیین وقت برای چیست آنوقت آقایان جوابهایی خواهند گفت و تجویز میکنند این را که از حدود این وقت معین خارج میشود اگر بنظر بنده هم صحیح باشد بنده هم هم عقیده بشوم اگر ما فرض کنیم این ملتی که بنده را انتخاب کرده از وضع اداره کردن من خوشتر نیست و می خواهد دیگری را بیاورد که

او اداره بکنند بترتیبی که مقصود او است چون عرض کردم که ملت در صراط تجربه است آیا با این تنفر موکر از وکیل ما حق داریم که در یک مدتی که مدت ما سر آمده داخل مجلس شویم و مشغول وضع قانون شویم و ترتیب بدهیم اداره کردن مملکت را آیا ملت حق ندارد بنا بگوید بجهت میزان و چه حق یک چیزیکه لازم الاجراء است از مجلس شورای ملی بعنوان وکالت گذرانند و الزام بکنند قوه مجریه را که بنا بقبولانند و ما اطاعت میکنیم و مجبور باشیم باطاعت کردن آن قانون در صورتیکه روح ما خبر ندارد از آن قانون آن زمانی که شما وکیل ما بودید و قوانین برای ما وضع میکردید مجبور بودیم که آن قوانین موضوعه شاراً اطاعت بکنیم ولی آن قوانین را که شما با اکثریت پنجاه نفر یا چهل یا سی و شش نفر گذرانید در خارج از آن مدت وکالت ما لازم الاجراء نمی دانیم زیرا که تعیین حد برای این بود که ما در موقع مداخلت از دست شما خلاص باشیم و زس بار شما نباشیم آیا حق دارند این حرف را بزنند یا خیر بنده عرض می کنم که حق دارند و قانون اساسی ما هم در چندین مواد که یک موادش اصل پنجم و یک موادش اصل پنجم قانون اساسی است میگوید در هر اجلاس که مدتش دوسال است یکدوبت انتخاب خواهد شد در دو فصل بلکه سه فصل قانون انتخابات تصریح میکند که مدت و کلاه دو سال است روح مشروطیت و قوانین آن میگوید بنا که باید یک فرصتی بملت داد که وقتی که تجربه حاصل کرد دو مرتبه تجربه خود را اعمال نموده تجدید انتخابات بنماید و نباید یک هیئتی علی رغم ملت بر ملت حکم بکند بواسطه اینکه ملت در مملکت مشروطه در اداره کردن خودش آزاد است وقتی که ما نشستیم و یک قانونی گذاشتیم بدون اینکه ما وکیل ملت باشیم و ملزم کردیم قوه مجریه را که مجبور با اجراء باشد آنوقت من میگویم مملکت از اصول مشروطیت خارج شد و ملت اداره نکرده است خودش را یک قوه دیگر برخلاف میل ملت مشغول اداره کردن امور ملت است و یک چیز دیگر که خیلی جای تعجب است این است که هات وجود این امتداد را حفظ اساس مشروطیت و آزادی میدانند و بقای اساس مشروطیت با وجود مجلس توأم میدانند که اگر منحل شود آزادی و مشروطیت تمام شده بنده عرض میکنم حافظ مشروطیت قلوب و احساسات ملت است نه احساسات شخصت نفر اگر ملت خواست خودش حفظ میکند اگر نخواست حفظ نمیکند مقصودی نیست که پنجاه یا شصت نفر حفظ بکنند اساس آزادی یک ملتی را احساسات روشن نورانی ملت باید حافظ اصول آزادی باشد چنانچه بود و هست حالا این اشکالات اساسی بنده است راجع قانون گذاری و اساس اشکال من همین است که چطور میشود قانونی که پس فردا وضع کنیم مجبور کنیم مردم را باطاعت آن اما جواب داریم که بگوئیم مقتضیات ما را مجبور کرده است و آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند ضرورت تیج - المحظورات و این بالا تر از قوانین آسمانی نیست از بیابانکه بنده اول کردم معلوم شد که بنده در عرایض خودم بقانون مستمسک نبودم بلکه عقیده ام این است اینطور رأی داده به بقای مجلس با روح مشروطیت

مخالف است زیرا وقتی که ملت انتخاب کرد من را یکی از نمایندگان هستم و وقتی که مدت وکالت من تمام شد یکی از افراد مردم مشغول مقتضیات امروزه را که دلیل قرار میدهند بنده تا بحال هر چه فکر میکنم نمیتوانم حالی بشوم که چطور است که مقتضیات امروزه حکم میکنند لزوم مجلس را که اگر مجلس نباشد در خطر است آن هم مجلس بعنوان قانون نویسی من واقعاً نتوانستم بفهمم این معنی را بواسطه اینکه من نگاه میکنم بسایر ممالک و نگاه میکنم بکتاب و از علمای این فن می پرسم آنچه را که من فهمیدم می بینم میگویند اگر در یک مملکتی (رولسیون) جنگ باشد دولت مجلس را می بندد و مشغول میشود بر رفع انقلابات رفع انقلابات که شد دو مرتبه مجلس را افتتاح میکنند و بستن مجلس هم برای این است که دست دولت باز باشد بتواند با جدیت مشغول رفع خطر شود و اگر هم انقلابات نباشد که مملکت در حالت امنیت و سکون باشد مدت و کلاه که نامش در دوباره دولت امر بتجدید انتخابات میکند و مجلس منفسل میشود تا اینکه اگر دولت در یک موقتی صلاح بداند فوری امر بانفصال میشود و دوباره امر بانتخاب میکند پس در هر دو صورت چه مملکت در حال رولسیون چه در حال آرامی و سکون باشد می بینم وجود مجلس ارتباط ما نیست و دفع مخاطره ندارد و وضع مخاطره را باید دولت بکند و همچنین امتداد مجلس یک ارتباطی بحفظ اساس مشروطیت ندارد بلکه یک وظیفه مجلس شورای ملی دارد و آن این است که روزیکه آخر دوره تقنینیه است باید یک کابینه که محل اطمینان مجلس شورای ملی است و نمایندگان اطمینان دارند بآن کابینه و می دانند که احساسات او احساسات حفظ حقوق ملت است و حافظ آزادی است یک همچو کابینه تشکیل بکنند و آن کابینه مشغول کار باشد بعد از آنکه دو مرتبه مجلس تشکیل شد آنوقت از آن اموریکه در این موقع انفصال واقع شده است آن نمایندگان همه جور حق سؤال و استفسار در کابینه خواهند داشت حالا بنده دلم میخواهد که آقایانیکه بعد از بنده تشریف میآورند و بنده را رد میکنند بفرمائید که مقتضیات امروزه که واجب کرده مجلس امتداد یابد چیست این کلمه مقتضیات امروزه یک مفهوم کلی است خوبست قدری واضحه تر بنده بفرمائید که اگر امروز مجلس نباشد آن خطریکه ما وارد میشود آن چیست آیا ما کابینه باید درست بکنیم و مملکت را بدست کابینه بدهیم یا اینکه ما خودمان یک مدخلیتی در امر مملکت و ترتیبات قوم مجریه داریم بنده که تصور میکنم مدخلیتی در امور اجرایی مملکت داشته باشیم بلکه اگر فلجی در چیست و چه چیز ما را مجبور کرده است ما غیر از هشت قانون کاز بودن چه موضوعیتی داریم و الا کلیات گویا انسان را خیلی گول بز نوامی راجع به تلگرافات فرمودند که تلگرافات آمده است و آقای معین الرعایا هم فرمودند این ملت همان ملتی است که چنین و چنان کرد بنده هم تصدیق

میکند که واقعاً این ملت احساسات و عقاید و حیات خودش را بتمام نشان داد ولی این هیچ منافات ندارد بعرایض بنده اگر این تلگرافات را در مرتبه بخوانند خواهند دید که آن تلگرافات با کمال وضوح چنین بیان میکنند که تلگراف کننده چنین تصور میکرد که اگر این مجلس منفسل شود تا و کلاهی جدید بیآیند اساس مشروطیت برهم خواهد خورد دیگر مشروطیتی نخواهد بود و چنین و چنان خواهد شد این بود که بنده در روز عرض کردم و امروز هم عرض میکنم که ما باید به ملت بفرمائیم و ملتت کنیم ملت را معنی مشروطیت این است که یک پنجاه نفری حافظ مشروطیت باشد و اگر پنجاه نفر بخواهند مشروطیت از میان میرود خیر مشروطیت حافظش حسابات ملت است و پس معنی مشروطیت آن است که ملت خودش حفظ حقوق خودش را بکند این را باید مردم حالی بکنیم نه پند بنده و مشروطیت ابتدا در انفصال مجلس بهم نخواهد خورد اما اینکه میگویند ما میترسیم شاید وصیل نیاید و اسباب تأخیر انجام در انتخابات شود بنده برعکس تصور میکنم که وقتی که مجلس نباشد مردم بیشتر هجوم بیاورند برای انتخابات زیر امانتوری که گفتند مردم وقتی که شکایت از یکی مصادرا مرر داشتند شکایت خودشانرا یکی از و کلاه میکردند یا به مجلس وقتی که مجلس امتداد یافت باز آن شکایت به مجلس میکند ولی پس از آنکه مجلس منفسل شد مردم مجبور میشوند که در کمال عجله و اشتیاق شروع بانتخابات بنمایند برای اینکه مرجع تظلمی داشته باشند و بر آنکس در صورتیکه مجلس منتهی باشد یک مقداری طفره در باب انتخاب وکیل خواهند رفت و اما اینکه گفته اند قانون اساسی تغییر کرد بنده نمی خواهم داخل شرح آن تغییر بشوم که چطور تغییر کرد و آقا شیخ رضا میگویند خود تغییر دهنده حق داد که به مجلس شورای ملی نظر بکنند در مدت و غیره بنده هیچوقت نمی خواهم داخل صحت و عدم صحت این مطالب بشوم بجهت اینکه یک وقتی آقای معزز الملک در این امر داخل شدند بنده فقط عرض میکنم که اگر آقای آقا شیخ رضا خوب ملاحظه بفرمائید در همان مقدمه نوشته است که مجلس بموجب حق داد که در آن نه حقی که به مجلس داده میشود چون نوشته است بموجب حقی که برای مجلس مقرر است باید دید که این حق کجا مقررات ترتیب نظر کردن در قانون اساسی ابتدا در هیچ قانونی نوشته نشده و ترتیبی بدست مانده و ترتیبش هم اگر باشد بنظر مجلسین است یا رجوع کردن بملت و اگر هم اینطور است که میفرمایند یعنی اصل پنجم قانون اساسی نسخ شده باشد اصل پنجاهم که نسخ نشده و آنکه یکی اگر اینطور باشد که اصل پنجم نسخ شده باشد و بجای آن منسوخ هم ماده گذارده باشند و نوشته شده باشد که اختیار با مجلس است که قبول کند رد بکنند آنوقت مجلس هم خوب است رأی بدهد که دو سال دیگر هم ما پیشینیم دوره تقنینیه چرادر سال باشد ۴ سال باشد ۶ سال یا ۱۰ سال باشد و همچنین بازم خودمان حق داریم نظر بکنیم و ممکن است امتداد بدهیم اگر این فرمایش صحیح باشد و عمل مجلس باقی باشد و اینکه میفرمایند علی رغم ملت است علی رغم ملت نیست و بحدب خواهش را بنابر

در عهد کرمبول در ایران تجدید شود بنده گمان نمیکند که این باختیار ما باشد که هر وقت بخواهیم بگوئیم وکیل هستیم و اینطور نیست که هر مدتی که بخواهیم امتداد بدهیم بتوانیم خواهش میکنم که این جواب من را بدهند بلکه یک تلگرافی میشود که مجلس بنشیند چون بطوریکه یکی از آقایان نمایندگان گفت که و کلاه دو حشیت دارند یکی راجع بقانون گذاری است که بنده قانون گذاری را دیگر حق مجلس میدانم و یک حیثیت دیگر این است رفع مضرات را بکنند این صحیح است که بنشینند و فقط حفظ صورت را بکنند و اگر واقعاً ضروری یا صمعه وارد شود و لازم باشد که مداخله بکنند حاضر باشند برای مداخله و باید قانون گذاری نکنند و حقوق هم بگیرند و فقط بنشینند برای مدافعه بنشینند برای حفظ ثور مملکت و الان نشستن و کلا برای وضع قانون بعنوان رسمیت و ترتیباتی که امروز هست بنده ابتدا تصدیق نخواهم کرد .

حاج شیخعلی خراسانی - بنده فرمایشات حاج آقا را یکی یکی یادداشت کرده و همانطوریکه تقاضا کرده اند یکی یکی جواب داده شود یکی یکی جواب خواهم داد اما بطور اختصار جواب خواهم گفت نه بآن نظر ملی که حاج آقا بیان کردند اولاً آقای حاج آقا شرحی از مشروطیت طلبی و اینکه زحمت کشیده اند برای مشروطیت و تعریف از خودشان کردند یکی خارج از موضوع بود بنده شرحی راجع به تجربه ملت و اینکه ملت در صراط تجربه است بیان کردند تجربیات خودشانرا بکنند عرض میکنم همانطوریکه ملت در صراط تجربه بود همانطور عرض میکنم و کلاه و نمایندگان که این جا نشسته اند اظهارات و حسیات آنها کاشف از احساسات خود ملت است و اگر وجود مجلس و این ترتیبات برخلاف میلش بوده باز اظهار حسیات نمیکرد و لزوم مجلس حالبه را باز تصدیق نمیکردند و چون ملت فوائد وجود مجلس و مضرات عدم مجلس را حس میکنند این است که تقاضا می کند که مجلس باید امتداد یابد یا انتخاب و کلاهی آتی بشود و نصف ببلایه یکناز آنها درمگر حاضر شوند و اما آنچه راجع به قانون اساسی است اگر چه خودشان در آخر اظهاراتشان یک مقفاری تعدی کردند که در آن موادمسخ شده است و اختیارش دست خود مجلس است فرض می کنم که نسخ شده است و آن مواد هم باقی است معنی این قانون اساسی است آنوقت آن آخر اصل راجع میکند که وقتی آخر دوره تقنینیه است که و کلاهی جدید حاضر شده باشند اگر آن چند اصل نسخ شده است پس اختیار در دست ما است که میتوانیم یک ماده اضافه کنیم که تا وقتی که نصف و کلاه حاضر نشدند مجلس باقی خواهد بود و این خودش یک ماده است قانونی و خیلی خوب است علاوه بر این که عرض می کنم ملاحظه اساس مملکت مقدم بر تمام مطالب و اصول قانون مجلس یک سکتی با خدای نکرده یک خطری متوجه مملکت و عموم ملت وارد میشود بهتر همان است که مجلس باقی باشد و اینکه میفرمایند علی رغم ملت است علی رغم ملت نیست و بحدب خواهش را بنابر

تلگرافات هرا بیتی است که از تمام ملت رسیده است از طرف ه نفر یاده نفر نبوده است در آذ پایجان متینک عمومی دادند و صوم ملت تصدیق کردند آن وقت تلگراف کردند وهم چنین خراسان و از سایر ایالات و ولایات هم تلگرافات بقوه مجریه رسیده است در آتقدیر که بمجلس رسیده است و اینکه میگویند تجدید انتخاب برای بروز حسیات ملت است بنده نمی دانم حسیات ملت کدام است مگر فریاد این است که تلگراف کنند و بقاء مجلس را بخواهند حالا اگر از شیراز تلگرافی نیامده است چه باید کرد و اینکه آقای رئیس الوزراء لازم دانستند بقاء مجلس را تا وقتی که کابینه تشکیل شود و شام تصدیق فرمودید لزوم بقاء مجلس را تا آنکه کابینه وزراء تشکیل شود و کابینه که طرف اعتماد مجلس است بمجلس معرفی شود ولو در روز طول بکشد مدت بقاء مجلس این هیچ فرق نمیکند درست التفات فرمائید اگر بقاء مجلس یعنی امتداد مجلس را غلط می دانید یک ساعت هم امتداد نباید غلط است اگر پنج روز یا ده روز صبح است فرق نمی کند سه ماه هم صبح است پس فرقی ندارد که ما باشیم یا اینکه آنرا بکلا بیابند آن وقت بلند شویم یا اینکه باشیم تا اینکه کابینه بمجلس معرفی شود بده اینکه منکر شدند که ملت اینطور فهمانیده شده که اگر این مجلس انفصال پیدا کند مشروطیت متزلزل خواهد شد و ابقای مشروطیت بسته به بقای مجلس است لهذا این تلگرافات را کرده اند که منشاء این تلگرافاتی است که از خارج آمده این بوده است که ملت فهمانده اند که اگر این مجلس نباشد مشروطیت از بین خواهد رفت بنده اگر این را تصدیق نکنم تصدیق خواهم کرد که نزدیک بان خواهد شد و اینکه فرمودند ملت خودش باید حافظ حقوق خودش باشد این يك اشتباهی است ككردند که ملت باید خودش داخل در اجرا باشد چون ممکن نیست که تمام افراد ملت مداخله در امور خودشان مستقیماً نکنند این است که ما را انتخاب کرده و با اینها فرستاده اند فرستادن مادرانینجا برای چیست برای این است که حافظ حقوق آنان باشیم و اگر حافظ حقوق خودش باشد فرد در امور خودشان مستقیماً مداخله کنند که این اسباب هرج و مرج خواهد شد و حکومتی معین نخواهد شد حکومت ملی معینش این است که وکیل معین بکنند که آنها بیایند حفظ حقوق آنها را بکنند در آخر هم فرمودند که مضراتی در عدم مجلس است و مجلس هم اگر باشد باید حقوق بگیرند کسی این با اظهار نکرد که ما حقوق می خواهیم بگیریم دیگر آنکه اگر مضرات را تصدیق دارند چگونه تصدیق ندارند که مجلس باقی نباشد اینها جواب آقای حاج آقا که بطور اختصار عرض کردم اسرار جمیع ببقای مجلس بنده يك نفری هستم که شاید اکثر آقایان اطلاع داشته باشند که بنده اجازه خواستم واستعفا هم دادم و بعد مرقمی اتفاق افتاد که استعفاي خودم را مسکوت عنه گذاشتم و شاید بدمم يك کار خدایی اتفاق بیفتد که بر من راحت و استراحت و کلاه این است که مجلس منفسل بشود و برود راحت باشند و بنده یک ساعت راضی نیستم که باشم در اینجا بنده خودم را که می بینم رمی دانم اینطور است بنده عهده ام این است که اگر در همچو روزی که سه روز بآخر

دوره تقیبه باقی مانده و همین ۱۰۰۰۰۰ و ده هزار و پنجاه هزار نفر تلگراف در خصوص بقای مجلس ننموده بودند و رئیس الوزرائی هم مثل آقای مصمص السلطنه در این جا بقاء مجلس را لازم نمی دانستند بنده آن کسی بودم که با این حالت حالیه مملکت مجبور بودم اظهار عقیده بکنم برای يك روزی که نگویند چرا نمایندگان ما نگفتند و از مجلس تقاضا می کردم که بولایات تلگراف بکنند که اگر مجلس انفصال پیدا بکند شاید خطراتی بزرگ متوجه این مملکت بشود مخصوص اداي وظیفه که بن سیرده اند در این آخر مدت انتخاب و نمایندگان بشما میگویم مجالستان را کمافی السابق نگاه دارید و فوری تجدید انتخاب بکنید يك مسئله دیگر که لازم است عرض بکنم این است که بعضی مسائل را مثل میزنند در آن ممالک بیست روز يك ماه پیش مدت تجدید انتخاب طول نمیکشد ولی در این مملکت اگر بصرعاً انتخابات انجام یابد اقلاً ۳ ماه طول خواهد کشید و ممکن است ۶ هفت ماه هم طول بکشد پس از این جهت هم بهیچوجه این مملکت با سایر ممالک طرف مقابله نیست و بنده عقیده ام این است اگر این مجلس منفسل شود قبیل از حضور نصف بعلاوه يك از نمایندگان خیلی تهدیدات بزرگ باین مملکت خواهد شد

حاج سید ابراهیم - بنده در باب این تلگرافاتی که آمده است عرض میکنم که این تلگرافات را اظهار قدر دانی یعنی حسن ظن ملت است از نمایندگان خود که فسر دانی کرده اند باید این تلگرافات را جواب داد و اظهار تشکر کرد و یکی دیگر این که این تلگرافات دلیل است بر بیداری ملت و حسیات ملت است که پس از آن زحماتی که در راه مشروطیت کشیدند مجلس شورا را از همه چیز عزیز تر میدانند و راضی میشوند که يك روز دارای مجلسی نباشد اگر چه تعطیل قانونی باشد پس جوابی که باید بآنها داد اولاً اظهار تشکر و ثانیاً تحسین و تمجید از این حسباتشان نباید نمود ولی در اصل مسئله تمديد مجلس بنده نمی دانم که در چه مباحثه و مناقشه میکنیم موضوع مناقشه و مباحثه ما چه چیز است اگر موضوع مباحثه این است که ملت را ما زیاد کنیم یا يك مجلس مجددي منعقد شود یا این که این تلگرافات را بمنزله قانون انتخابات ما قرار بدهیم یا این که بطور فوق العاده بشینیم و هیئت مشاوره دولت باشیم یا قانون گذار باشیم اگر اینها است هیچک از اینها حق ما نیست و نمیتوانیم برای خودتان معلوم کنیم و اگر همین تلگرافات اکتفا کنیم و این را يك نوع انتخاب قرار بدهیم اینهم نمیشود بجهت این که موافق آن نظامنامه ای که در تمام ممالک نوشته شده و این جا هم نوشته ایم باید مجلس با انتخاب و بآن ترتیب که قانون معین کرده است باشد و این تلگرافات هم هیچ دلیل نمیشود بر انتخاب ملت و حال آنکه این تلگرافات از تمام ملت یا از اکثریت ملت نیست از آذربایجان است یعنی از شهر تبریز از خراسان هم همینطور نه این است که از شیراز تنها نباشد بلکه از بسیار جاهای دیگر هم نیامده از کرمان و یزد و غیره هم نیامده و اگر هم ملت تقاضا میکنند باید از دولت بخواهند و دولت باید جواب آنها را

بدهد هر طوریکه مقتضی میدانند باین که به مجلس رجوع کند با این که بآنها اطلاع دهد که این تقاضای اکثریت ملت نیست یا اگر رای اکثریت میدانند بپذیرد و اعلان انشاء مجلس را بدهد و اگر ما خودمان بخواهیم مدت را زیاد کنیم نمیتوانیم بجهت این که در قانون اساسی تعیین کرده است ۲ سال است بده آن اصلی که نسخ شده است آن برای ابتدا مدت بوده که نوشته شده ابتدای مجلس وقتی است که وکلای تهران حاضر شوند این ماده نسخ شده است اما این که مدت ۲ سال باشد ابتدا نسخ نشده است راست است که بوجوب مقدمه نظامنامه انتخابات حق داریم که نظر کنیم در این اصل نسخ شده چنانچه این نظر هم يك اندازه شد مثل این که در آن نظامنامه انتخابات عهد وکلائی ایران را ۱۲۰ نفر معین کرده بودند و ۱۳۶ نفر رای گرفته شد ولی در این ماده که اصل مدت باشد و حق مباحثه در آن نداریم و نمیتوانیم صریحاً نقض قانون اساسی نمایم مگر بترتیبی که آراء اکثریت ملت اگر بخواهیم که يك مجلس فوق العاده تشکیل بدهیم این مجلس فوق العاده را نمی دانم بچه ترتیب باید تشکیل قانونی داد و بچه ترتیب ما مباحثه در او بکنیم آنگاه ملت باید از دولت بخواهد و دولت فرارش را بدهد و این مجلس بطور فوق العاده بنشیند و حدودش را هم معین بکند که آیا وظیفه آن مجلس این است که قانون بنویسد یا نظارت در قانون بکند یا کار دیگری بکند الان بنده نمی دانم که تلگراف کنندگان چه خواسته اند و نمی توانم تصدیق کنم که این مجلس قانونگذاری می تواند بکند یا اگر بگویند وظیفه اش این است نظارت در قانون گذاری داشته باشند بنده خودم میگویم مدتی که رسمی و قانونی حق نظارت داشتیم نظارت در قانون گذاری از بنده نیامد بجهت اینکه مدتی است هر چه سؤال واستيضاح میکنم کسی حاضر نمیشود جواب بگویند دیگر چه نظارتی میتوانیم بکنیم غیر از قانون گذاری و نظارت هم که حق نماینده نیست پس بنده نمی دانم که موضوع مباحثه چه خواهد بود دیگر آنکه بنده عقیده ام این است که در اختتام مجلس اگر تمديدش لازم شود حق سلطنت است اگر چه در قانون اساسی تصریح نشده است یعنی اگر بقوانین اساسی دول که نگاه کنیم می بینیم که باید دولت یعنی نایب السلطنه اعلان بکند و امتداد مجلس را بخواهد والا اینکه خودمان مباحثه کنیم در مجلس یازدی بدهیم هیچ نتیجه ندارد و عقیده بنده این بود که این دوسه روزه که در این باب مذاکره کردیم بهتر این بود که تعقیب رفع بحران وزراء را بکنیم که تا پنج روز ده روز دیگر کابینه صحیحی داشته باشیم که اگر مجلس هم منفسل شود يك هیئت مشول مملکت داشته باشیم بجهت اینکه هیچ نمی توان گفت مجلس مشول مملکت است مجلس قانون گذار است و مشول خود نظم مملکت هیئت وزراء است امروز رئیس الوزراء میگویند که وزراء تکمیل نشده اند تکلیف ما این است که در چند روزه که رسمیت داریم ولو باینکه يك هیئت منمخ بکنیم که خدمت والا حضرت شهود شوند و يك مده هم معین شوند که معاونت فکری با وزراء بکنند و تشکیل کابینه بدهند این مسئله خیلی اهم از این است که داخل در آن هستیم و بنده اخیراً عرض میکنم موضوع رای اولاً باید

معین شود بجهت اینکه بنده بدانم در چه رای می بینم باید موضوع رای چیزی باشد که قانون حق داده باشد بن که در آن مذاکره بکنیم والا مذاکره در مطلبی که موضوعش را قانون اجازه نداده باشد هیچ صحیح نیست

حاج شیخ الرئیس - برای اینکه اطلاع کلام نشود پیشنهاد بنده را اجازه فرمائید بخوانند شود بعد اگر اجازه فرمائید توضیح بدهم

رئیس - باین ترتیب نمیشود باید بروم کمیسیون مبنکران

حاج شیخ الرئیس - بنده از مذاکرات آقایان نمایندگان در ظرف دیروز و امروز همچو میفهمم که گویا تمام در این جا با بنده و موافقین با بنده همراه هستند حتی آتهائی که اظهار مخالفت می کنند و مقتضی میدانند امتداد مجلس را ولی مانعی درین است که آن مانع بنظر آقایانی که مخالفت میکنند مانع قانونی است و تصور آن مانع قانونی خیلی سهل است بذهن همه کس می آید که وکالت اول محدودی دارد و در تاتی موکل باید اجازه وکالت بدهد ولی بیش از آنکه داخل در آن فلسفه بشوم که بتوان همین احساسات ملیه و احتیاجات فوریه این اتفاقات کثیره که در نظر همه نمایندگان است این يك مجوز قانونی باشد برای اینکه این مجلس امتداد پیدا کند داخل آن فلسفه نیشوم زیرا که بنظر بعضی خطابه یا شریعت می آید لهذا يك پیشنهادی تقدیم بهیئت رئیسه کرده گمان میکنم که این پیشنهاد را بعد از آنکه از کمیسیون برگردد قابل توجه آقایان نمایندگان و مجلس قابل توجه بدانند و این اشکال که شده است که قانون اساسی مدت مجلس را در سال معین کرده است بنده اینرا بکلی تکذیب میکنم زیرا که این نیت تمام قانون دان و قانون گذار هستند و میتوان گفت که در محظ قوانین اول شخصند و بنی پیشنهاد کردند که مدت مجلس سه سال باشد هیچك از نمایندگان حتی آقای رئیس که یگانه حافظ قوانین است رد نکردند که این پیشنهاد غلط است این بود که رای گرفتند و اکثریت مجلس مستصحب تصویب نکرد پس خدمت آقایان عرض میکنم که اگر آن گذشته بود یعنی تصویب شده بود که سه سال باشد هیچ اشکالی نداشت پس بنا بر این پیشنهاد میکنم و خدمت آقایان عرض میکنم که امروز که دوره تقیبه مجلس بر نیامده است میتواند یکی از نمایندگان پیشنهاد بکند چنانکه بنده هم پیشنهاد کرده ام این مسئله که امروز مجلس ابتلائی ما شده است یعنی این در دوره سابق چون محل حاجت نبوده است مقنن هم ساکت بوده که آیا بین مجسین در زمان فترت ا ر و کلاه بر حسب اتفاقات اگر احساس کردند که در آن موقعی که مجلس منفسل میشود آن مدت فترت مجلس مؤبد یاره اشکالات نخواهد شد که بکلی باحفظ متافع مملکتی و مصالح جامعه مملکتی تمامی است و با اکثریت رای دادند مجلس منفسل نشود تا زمانیکه نصف بعلاوه يك کلاه جدید حاضر شوند و مجلس بر قرار بماند و نمایندگان بوظیفه قانونیه خود رفتار بکنند قطع نظر از اینکه میپذیرد یارد میکنند خود این پیشنهاد را اگر قانونی میدانند و اگر تصویب فرمائید گمان میکنم

که رفع این نگرانی بشود آنوقت که حالت حاضره مملکت ما را ببینند و بآن نقطه نظری که بنده توجه هستم اگر چه آقایان هم از بنده متوجه ترند اما انسان است بعضی متوجه مشرقند بعضی بغرب و بنده که متوجه بغرب هستم می بینم افقش تاریک است پس بنده بمقدم خودم و بجای نقطه نظر خودم عرض میکنم و افغان آقایان را متوجه میکنم و همین تشبیهی که میکنم که حالت حاضره مملکت خودمان را چون بنده اسلامی هستم بعینه مثل حالت صدر اسلام و رحلت آن مقنن کل میدانم که جمعی از مؤمنین مرتد شدند و برضد مسلمین رفتار کردند و جمعی از منافقین برای اینکه اساس تازه اسلام را فاسد کنند بآن خیالات فاسده افتادند دیدند که مهاجرین تمام اتفق الرای برای حفظ حکم جامعه اسلامی آن مذبذبه موزه را که دار السلطنه اسلامی بود بر سر جمعی برای مسلمین معین کردند امروز حالت دارالشورای منی همین حالت را دارد باین اختلال امور باین بی انتظامی تقریباً این عدم تکمیل کابینه بآن تزلزلی که در مبادی عالییه همه متوجهند اگر مردم مجلس را نداشته باشند آنوقت خطرات عظیم بمملکت ما خدا نکند و امیدوارم این حدت من بوقوع نرسد و از حدسهای کاذب باشد و هیچ مخالفت با قانون ندارد اینکه امتداد مجلس را بدهید تا اینکه نصف بعلاوه يك نفر از نمایندگان بیایند عقیده بنده همین است و عقیده آزاد است

آقا سید محسن مدرس - اولاً عرض میکنم که آقایان میدانند که موکل بنده شد است تا ناچار یکماه قبل از این بنده از شخصی بودم که خیلی سعی داشتم در تمديد مجلس شورای ملی و مجلسی هم بجهت این مطلب زحمت با آقایان دادم چه در منزل خودم چه در همین جا و خیلی مذاکرات شد آقای هشترودی هم در چند مجلس تشریف داشتند که حتی با ایشان عرض کردم اگر من طریقی داشتم که تیریز و اشائش داشتم خود عریضه عرض میکردم که موافقت بکنند در این مطلب و با بعضی از آقایان رفقا مذاکره کردم که عقیده بنده در تمديد مجلس است و با نجاهانی هم که دوست داشتم که از جمله اصفهان باشد نوشتم که مجلس ترتیب بدهند و در این مسئله مذاکره فرمائید که من خیارم بر این است بیستم صلاح چه چیز هست کافهم رسیده است چون طریق قانونی بنظر من منحصر آمد بوجه عامه مرکلین لهذا در این طریق با آقایان جد و جهد کردم که هر کس دست دارد بجائی بنویسند که مملکت در خطر است در خیلی از ممالک گیریم و خودم هم نوشتم چونکه توکیل بزرگ خودمان خودمانرا این مجال است نه غلط که خودمان خودمان را وکیل بکنیم فرق است بن غلط و مجال بسا هست که کار غلط خیلی بکنیم اما مجال ممکن نیست و بنده نمیتوانم خودمرا وکیل بکنم طریقه قانونی منحصر است برای اکثریت ملت انصافاً این طریق هم تحصیل شده است البته آتهائی که تلگراف کرده اند نظرشان عالی است مثل این که خودم خیلی اهتمام در تمديد مجلس داشتم برای اصلاح مملکت و این خطراتیکه بر ما وارد است و بنده هم حسن خودم را عرض بکنم که همچو مجلسی که ما داشتیم در این چند ماه بیاید زمانیکه تاریخی باشد که دیگر این و کلاه که دارند باین استقامت و ثبات قدمی دیگر ملت نخواهند دید حالا که بکنند

مطلبی است من حس میکنم که همچنین و کلائی در تاریخ میگویند که از اطراف دور آنها را متردین گرفته بودند خوب اینها که در دو فرسخی تهران بودند اگر وارد میشدند اول کاری که میکردند خدمت شما میرسانند همه روزه بنده حاضر میشدم نگاه می کردم که بیستم یک نفر هست که نیامده است خدا شهادت است که دیدم همه شان بودند بیستم ثابت قدمی آقایان ناچه مقدار است حال مبشوم مردم گله دارند لکن بنده میگویم بعد از این در دوره های دیگر هم چنین و کلائی باین ثابت قدمی نخواهد آمد و تاریخ این مسئله را خواهد نوشت لکن ما بیست و دو امکان بآن طریقه قانونی یا بطریق صلاحی رفتار کنیم طریق قانونی این است دستمان کوتاه است ولو از چند جاهای معتبر تلگراف کرده اند لکن بنحوی که میتوانیم بگوئیم اکثریت ملت الان خواهش بقای مجلس شورای ملی را کرده اند این را بر سبیل حزم نمی توانم عرض بکنم و این ترتیب منحصر است يك طریق که این هیئت که هستیم واقفاً اگر صلاح نوع مملکت بر این باشد که خدای نخواسته اگر این مجلس منفسل شود يك مفاسد عظیمی مترتب شود و باید باشیم و اگر خدای نخواسته موکلین شما بگویند که بلند شوید بر نخواهم خواست صلاح در این دیده شد این مهالك و این مفاسد که هست رفع شود اگر دارالشورای منحل شود رفع این مفاسد نخواهد شد حالا بانظر صلاح و صواب و تأمل همه باید ملاحظه کنیم که واقفاً اگر وجود این مجلس مقدس برای رفع این مفاسد مدخلیت دارد باید بنشینیم و ابتدا منتظر تلگراف هم نیاید باشیم بواسطه مصالح امروز و حال این مملکت و اگر مثل از بیست روز بیشتر تا بحال که ابتدا شنلی ما بجا نمی آوریم الا اینکه يك بودجه می آورند یا دو تومان از یکی کم میکنیم یا زیاد میکنیم همین مطلب را از اصفهان باین عنوان از برای من نوشتم که شما مذاکرات روزنامه مجلس را گویا نمی خوانید اگر خواننده بودید این خواهش تمديد مجلس را بنیکرید بواسطه اینکه بورا احمدی تا پشت دروازه اصفهان را چاپیده کنتم را ۲۳ تومان میفرشند و میگویند اگر شما گندم نومی خواهید سی تومان و حسین کاشی مال اهالی کاشان و امراض مردم را برد نشون متردین که شکست خوردند ابتدا کسی تعاقب نکرد شیراز در انقلاب است هر جا که حکومت ندارد اکل و مأکول است و ابتدا در مذاکرات يك ماهه مجلس ابتدا این مذاکرات را نمیکند اگر می خواهید بنشینید و در اساسه مملکت و کیفیت قراء و تنظیم مملکت و دفع مفسدین يك ماهه نه شش ماهه بنشینید و اما اگر حکایت بوده درست کردن است فلان مجاهد در فلان جنگ بندر کاش یاره شد و بیست تومان در باره او برقرار کنند و فلان آقا بگویند بدهد و یکی بگویند بدهد لازم نیست همچو مجلس اگر واقفاً در فکر اساسه مملکت هستید بنده میگویم که واجب و لازم است و لوا اینکه موکلان تلگراف کنند که بر خیزند و الا بفرموده آقای حاج سید ابراهیم اگر استيضاح هم بکنم جواب بدهند لازم نیست همچو مجلس در صورتی کاربردست دیگری باشد به بنده فایده دارد یا ندارد نشستن حالا پس بنده نه موافقم

نه مخالف ملاحظه کنید اگر برای اساس مملکت فایده دارد به نشینید .

هشترودی - اولاً این عرض میکنم که بنده وکیل ملت هستم نه وکیل خدا کارخانه خدا را نمیتوانم اصلاح بکنم و اگر آن حرفها را بنده نزنم یا جواب بدهم میترسم زنگ رئیس صدا بکنند از آن میگذرم بنده وکیل ملت هستم باید از جانب ملت صحبت بکنم و از جانب ملت جواب بدهم بنده از جانب ملت صحبت بکنم اطاعت کنم باین مجلس باین سمت آمده‌ام اکثریت ملت را اکثریت مجلس میدانم و اقلیت ملت را اقلیت مجلس میدانم یعنی نماینده ملت را این مجلس میدانم هر مسئله که شد در اینجا اکثریت به طرف شد آن را نماینده اکثریت تمام ملت ایران میدانم اقلیت است نسبت باین مجلس و معلوم است که نظم و حفظ این مجلس هم راجع به بهیبت رئیس است و باید اطاعت هم بکنیم که خارج از موضوع نشویم یا اگر شدیم زنگ زدند اطاعت کنیم برویم سر جای خودمان بنشینیم و بنده همچو فهمیدم که غالب از آقایان خارج از موضوع صحبت کردند ولی چون من بطور فهمیدم مقرر نمیشد اگر حضرت رئیس آنطور فهمیده بود لابد زنگ میزدند مثلاً بعد از اینکه خود تمهیدی دادی داد شد شاید در کیفیتش صحبت علیحده شود که آیا بیحقوق بمانند یا با حق کیفیتش بعد از تمهید است بنده اینها را دردمیکنم و هر مانده کرده که شده است خارج از موضوع شده است لکن فرمایشات آقای حاج آقا اباضی جواب دادند و بعضی جوابهای او را مفصلاً بنده باید عرض کنم تا برسم بآن فرمایشات آقای مدرس که اگر حیات ما این جور شد که واقفاً وجود این مجلس را لازم دانستیم با وجودیکه ملت اجازه نمیداد میتوانیم به نشینیم اگر هم لازم نمانیم باید بعنوان دیگری صکه بنده خودم هم شاید از ازرگان یا از کوچک های افراد این ملت هستم باید بوظیفه خود مثلاً یک کاری بکنم آنهم نه در این جا در بیرون مجلس اینکه آقای حاج آقا اظهار کردند که مشروطه را معنی کردند باین که ملت در سیاست مملکت مداخله بکند آنهم در یک فکر معینی که ملت انتخاب کرده یا خود قانون معین کرده است بعداگر ملت راضی شد در رابورت آن ملت مداخله بکنند اگر راضی نشدند دیگران بیایند این توضیح واضح است همه میدانند در خارج شاید بعضی معنی حکومت ملی را ندانند ولی در مجلس و کلاسه فهمیده اند که همین حکومت ملی که بتوسط نمایندگان امور مملکتی را اداره میکند یعنی وضع قانون بکنند بنده بدست فوه اجرائیه ایتر گویا ملت خودشان کرد اند (یعنی گویا هم نمی خواهد خودشان این را کرده اند و خودشان آن قانون را گذاشته اند و خودشان هم اطاعت کرده اند اساس کار بخواهند خودشان کرده اند ملت خودشان اساس را ریخته خودش قانون وضع کرده خودش انتخاب کرده است وکیل ملت هستیم یا بعد قانونی که میگذاریم آنها گذاشته اند و به فوه اجرائیه هم که میدهم آنها دادماند اجرام که بشود باز خود ملت اجرا کرده خودش هم اطاعت کرده این از توضیح واضح است بود حالا چون آنوقت معین گذاشت دیگر بعد از آن نباشد شخص وکیل ملت بشود.

رئیس - باقی نظر را بگذارید برای بعد

از نفس چون عده کافی نیست یک ربع تنفس است (در این موقع تنفس شد .

مجدداً بعد از تنفس جلسه تشکیل شد .

رئیس - دستخطی از والا حضرت اقدس دو طعنه دستخط والا حضرت اقدس به مضمون ذیل قرائت شد .

(۱) بتاريخ ۱۹ شهر ذی قعدة ۱۳۲۹ ریاست مجلس شورای ملی .

مشروحه به مجلس شورای ملی نوشته لفه ارسال میدارم که ملاحظه فرمائید و بقیه دارم با علم و اطلاع که باوضاع حاضر در این تصدیق خواهند نمود که این جانب در فرستادن این مشروحه داشته و ناچار بوده‌ام و البته باخبر خواهی به حسن بیانی که جناب عالی در بنده نمایندگان محترم کمالاً حالی خواهید نمود که در این توضیح که بواسطه تراکم امور ضیق وقت برای مجلس شورای ملی حاصل است تاریخ انعقاد مجلس جدید معلوم نیست فوراً توجه کامل در مندرجات مشروحه مزبوره لازم است و از خبر خواهی و حسن بیانات عالی انتظار دارم که ترجه کامل نمایندگان محترم را با اهمیت موقع جلب فرمائید که در کله مندرجات مشروحه مزبوره انشاء الله نتیجه مطلوبه سریع حاصل شود و سوء انتظاری در امور مملکت بظهور نرسد منتظر نتیجه فوری هستم و اگر هم میدانید نتیجه حاصل نمی شود آترام اعلام بنمائید .

(۲) - مجلس شورای ملی .

چون خاطر نمایندگان محترم کمالاً از حالت حالیه و اوضاع کنونی مملکت مستحضر است هر چه در این باب اظهار شود توضیح واضح خواهد بود هیئتقدر بطور اشاره و اجمال یادآوری مینمایم که چنانکه خاطر آقایان مستحضر است کابینه وزراء از چندی باین طرف ناقص و تقریباً در شرف تحلیل بوده است و با اینکه خدمات جناب مستطاب اجل اشرف اتمم آقای مصمص السلطنه رئیس الوزراء دام اقباله بدولت و ملت معلوم است بواسطه همین بحران و عدم موافقتی که حس کرده اند مدتی است ایشان هم در زحمت و معظور هستند بطوریکه تصمیم بر استعفا کرده بودند و اینجناب ایشان راضع کردم ولی بدیهی است بدون تشکیل و تکمیل کابینه و معاونت و موافقت لازمه یک نفر شخص واحد ایشان نمیتوانند بنای خیر را که در خدمت مملکت و آسایش ملت و انتظام بلاد دارند از فوه بفعل بیاورند چون موقع انتخابات در بین است علاوه رفع اطراف مشکلات بهار آتیه معلوم است مسلم است که اگر کابینه بطور صحیح و موافقت ایشان و اظهار همراهی کامل مجلس شورای ملی بسرعت هر چه تمامتر تکمیل و تشکیل نشود و بلافاصله بروگرام عملیات خود را در حفظ نظم ولایات و آسایش اهالی که حسن جریان انتخابات منوط بدان است و تهیه جلوگیری مشکلات بهار آتیه به مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و بنظر نمایندگان محترم نرسد و آنچه برای اجرای مقاصد فوق لازم بدانند در مجلس شورای ملی قبول نشود در این موقع باریک بینی چوچه اطمینان خاطر از صحت جریان امور و تهیه جلوگیری مشکلات مملکتی میسر نخواهد بود بنا بر این اینجناب اهمیت موقع را خاطر نشان نموده اظهار میدارم که وظیفه واجب

خیر خواهی نمایندگان محترم بر این است که فوراً در تشکیل و تکمیل کابینه مساعدت تامه با ریاست وزراء عظام نموده و بعد از تشکیل برای تعیین تکالیف کابینه صرف اوقات نمایندگان تا تکالیف قوه اجرائیه معلوم و هیئت وزرائی که مقتدر بر ادای وظایف خود باشد موجود آمده انشاء الله سوء انتظاری در مملکت حاصل نشود تذکار این نکته را هم لازم میدانم که چنانکه در تلگرافات خود از فرنگستان یادآوری نموده‌ام که نظر محبت و همراهی همگی بتمام نیابت سلطنت شرط لازمست اختلاف بیارنی مانع کار و مستلزم بحران خواهد بود و با حالت حالیه ایران که صورت آرام و سکون اهمیت ملی در آن دارد این بحران مضر و وسیله تخریب مملکت خواهد شد و نیز در خطابه خود در موقع ادای مراسم قانونی در مجلس اظهار داشته‌ام که اگر اختلافات خدای نکرده بر اختلاف امور بیفزاید اینجناب نخواهم توانست در این مقام نشسته شاهد چنان حال ناگوار مملکت باشم چون از سه ماه قبل که هلاک شدت ظهور اختلافات و تعصبات مغفرتیات نسبت بمقام نیابت سلطنت که باید مورد توجه و احترام همگی باشد شهود بوده و همه نمایندگان محترم مشاهده کرده میدانند که از همان وقت تصمیم بترك مقام داشته‌ام ولی چون انقلابات بزرگ روی داد برای اینکه در چنان موقع خطرناکی گفته نشود اینجناب از مساعدت و خدمت بدست فوه کرده‌ام تحمل نموده و اجرای قصد خود را به تأخیر انداخته بودم و محض اینکه بقتت بدون تهیه امری واقع نشود در این چند روزه بنمایندگان محترم اظهار کرده‌ام که بنا مشارکت اولیاء امور بهر ترتیبی که بعد از مشاوره صلاح دانند در بنای اقدام شود بنابر این مجدداً یادآوری مینمایم که اگر در این فتره جداً اقدامی نشود اینجناب لابد خواهم بود بدون انتظار این مقدمات تصمیم خود را اجرا و رسماً اعلان نمایم و چنانکه در خطابه خود در موقع ادای مراسم اظهار کرده‌ام هیچ ذی وجدانی مسئولیت آنرا وارد بر این جانب نخواهد داشت زیرا که فوق قوه بشری سعی در رفع اختلافات کرد و متأسفانه مقید بقصد با امتیاز این جانب بر ذمه وطن خواهی نمایندگان محترم قرض و واجب است که تماماً و جمماً بدون فوت وقت در شبانه روز مشغول انجام این امور مهم بوده و انشاء الله تا نتیجه مطلوبه حاصل نشود خود را بری القمه ندانند مجدداً در آخرین مشروحه بر اهمیت موقع و لزوم جریان ترتیب فوق الذکر و وخامت غفلت از آن تأکید مینمایم و عدم اختیار و مسئولیت قانونی خود را یاد آور شده بادی این تکلیف واجب که تذکر مراتب فوق است خود را از مسئولیت وجه آتی بیرون آورده معاف و معذور میدانم

رئیس - چنانچه آقایان ملاحظه فرمائید در این دستخط دو مطلب خیلی مهم است یکی دلیلی بمقام نایب سلطنت عظمی و یکی در تشکیل کابینه والا حضرت آقای نایب السلطنه راجع ببنام خودشان این جا اشاره فرموده اند که تصمیمی فرموده اند و اگر جداً اقدامی نشود بوقع اجرا خواهند گذاشت چون بعضی از آقایان از دلیل آن تصمیم درست آگاهی نداشتند بنده گمان میکنم بهترین است که یک کمیسیون مناسکره بشویم قیام نماینده (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد (در این موقع بعضیها اجازه خواستند)

رئیس - گویا میخواهند در مطلبی که راجع است بوالا حضرت اقدس نایب السلطنه مذاکره شود پس رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند اخل مناسکره بشویم قیام نماینده (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

مقین السلطنه - در طریقه انتخاب عرضی دارم

رئیس - فرمائید

مقین السلطنه - در طریقه انتخاب میخواستم عرض کنم که خود حضرت رئیس انتخاب بکنند و بفرستند برای اینکه هم زود تر انتخاب بشود از اینکه ما بنویسیم و خودتان بهتر میدانید که کدام قابل اینکار هستند

رئیس - بیست نفری که بنده معین کنم از طرف مجلس نخواهد بود باید از طرف مجلس معین شود که نماینده مجلس باشد

هشترودی - يك قسمت عرایض بنده در این بود که حکومت ملی مداخله ملت است در امور مملکتی و سیاسی بواسطه و کلاسه و نمایندگان خود معلوم است این دو جزء دارد اولش این است که مدافعه ملت کار خود ملت است باید این مملکت بدست خود ملت باشد و دومیش این است که مدافعه خودشان را بکنند می دهند بدست و کلاسه و نمایندگان خودشان بوده آن نمایندگان در امور مملکتی وضع قانون کردند یا اعتماد بهیبت اجرائیه کردند معلوم است که این قانون را هم خود ملت وضع کرده است و آن اعتماد را هم که بنده اجرائیه داشته است خود ملت اعتماد داشته است و نماینده ملت مثل خود ملت است یعنی نماینده ملت خود ملت است نه بشود این دوتارا از هم تفکیک کرد بله در یک مرحله البته وکیل غیر از موکل است و آنوقتی است که هنوز وکیل نشده اما وقتی که وکیل شده هر چه کرد خود موکل کرده است نماینده هر چه بکند مثل این است که خود آن ملت کرده است و این فرمایشات آقای حاج آقا تمام این بود و بنده هم هیچ مغالفتی ندارم و اگر داشته باشم معنی این است که بنده هیچ تفهیمه‌ام یعنی حکومت ملی را باید بروم از کسی بیروم و بدانم اما آنقدرش را میدانم حالا اینکه وکیل برای خودش نماینده درست میکند این در قانون تمام دول و ملل شاید اینطور نباشد که نوشتن و محض رأی دادن باشد چنانچه بنده در تاریخ روم دیده‌ام در تاریخ رومها نوشته اند انتخاب وکیل که میکردند جمع میشدند در یک جا و هشت فرقه یا ۱۲ فرقه بودند دیگر این را یاد رفته است آن فرقه ها رأی خودشان را علنی میگفتند بعد از آنکه میگفتند شمار میکردند معلوم میشد که هفت فرقه رأیشان بفلان چیز است و یک فرقه یا پنج فرقه رأیشان بفلان چیز است آن ۷ فرقه که رأیشان اکثریت داشت برای وکیل خودشان یا برای رئیس سنا همین رأی انتخاب خودشان را انتخاب میکردند و نماینده میشد و لازم میشد که ورقه بصور مخفی ننویسد غرض این است که مقصود روح انتخاب است که می خواهم عرض کنم که نباید حکماً يك ورقه نوشت و شاید يك وقتی شود که ملت نخواهد رأی خودش را مخفی بدهد که هیچکس نفهمد میخواهد بطور علنی رأی خودش را بدهد همین طور خواهد شد يك وقتی ملت طوری میشود که علناً میگوید وکیل من فلان است (رئیس - راجع بانقلاب نباید مذاکره شود)

هشترودی - بله شاید يك وقتی يك جور شود که تماماً علنی کسی را انتخاب کنند (رئیس - این که اظهارات شما راجع بانقلاب است)

هشترودی - بنده ترتیبش را عرض میکنم شاید این تلگرافات که از آذربایجان رسیده است ترتیبش آشکار شده است حالا این جا بنده فرض این است برای ۳ ماه یا ۶ ماه یا وقتش را آنقدر بگذارند که نصف بملاوه یکسفر از و کلاسه حاضر نشود این و شاید وقت را آنقدر قرار بدهند یا شاید تلگراف بکنند و کلاسه همین طور که الان هستند باشند و بهمان ترتیبیکه دخلت میکردند بامور مملکتی و قانون گذاری حلالهم بهمان قانون گذاری و مملکت داری باقی باشد و در امورات و سیاسیات مملکتی نظریات نماینده و بجای خودشان در کرسی وکالت نشسته باشند شاید بشود چیزی تلگراف کنند در باره بنده نه بنده در باره بنده که سهل است در باره هر کسی که میل دارند آن وقت آنرا انتخاب کرد آنها خواهد دانست و آن وقت بآن وظیفه صکه دارم عمل خواهم کرد یا بنده را معین کنند بهمان و کلاسی که سابق داشته‌ام بلاقوت عمل خواهم کرد آمدم که آیا این کار شده است یا خواهد شد بعقیده خودم آن ها که طالبین این اساس اند عبارت اخیری بلکه مقومین این اساسند این تلگرافات را که ملاحظه میفرمائید آن ها کرده اند بنده عقیده‌ام این است و حالا دیسگر نمی خواهم داخل فلسفه این بشوم که چرا این تلگرافات را مؤسسان این اساس کرده اند یا از جاهای دیگر چرا این تلگرافات نشده است ولی عرض میکنم این تلگرافات که شده است نه در باره بنده تنها شده است بلکه همه نمایندگان این تلگرافات آمده است بعبارة اخیری برای مجلس آمده است که نماینده تمام مملکت است چون این جا ناچارم بجهت يك صحیحی که در روز شده است آنرا رد بکنم عرض میکنم در روز گفتند که از آذربایجان صکه تلگراف شده است فقط برای وکلای آذربایجان بوده است بنده آنرا رد میکنم آذربایجان تلگراف کرده است بنام مجلس هیچ بنده تفاوت ندارم با آن و کبلی که از اقصی بلاد مملکت آمده است این جا و آذربایجان هم نظرش بنام وکلای آتیه بیایند آنوقت اینها بروند عاشق بنده و امتثال بنده نیستند عاشق اساسند و این تلگرافات که آمده است برای فرد فرد و کلاسه آمده است اینک بنده می گویم که بمن تنها تلگراف آمده است من وکیل آذربایجان مرا وکیل کرده اند و بشما نیامده است خیر بطور فرد فرد بنام و کلاسه تلگراف کرده اند شاید نظرشان بسایر و کلاسه که اینجا آمده اند از وکلای خودشان بیشتر باشد و باز مجدداً جده عرض میکنم که این تلگرافات بنام مجلس آمده است و رد میکنم صحبتهای امروز را که میفرمودید این تلگرافات از آذربایجان برای وکلای خودشان آمده است پس بنده از آن نقاطیکه تلگرافات آمده است که وکلاسه نماینده هستند و باید موافقت این مجلس باشند نصف بملاوه يك حاضر شوند و این مجلس اعتماد پیدا بکند و رأی باشند و در تلگرافات خودشان هم اشاره کردند